

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۰۶

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۱ مای ۲۰۱۵

قطعنامه تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری به

مناسبت اول ماه مه ۲۰۱۵، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۴

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی کارگران، همبسته تر باد اتحاد کارگران، معلمان، پرستاران و نهادهای تشکلهای مستقل کارگری، پیش بسوی اعتراضات متحدانه و سراسری برای پایان دادن به ستم معیشتی. این فراخوان ما تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری به مناسبت اول ماه مه به عموم مردم زحمتکش ایران است.

صفحه ۲

اول ماه مه و آینده جامعه

علی جوادی

صفحه ۶

طبقه رهنمون ملت!

درباره جایگاه سیاسی اعتصابات کارگران، معلمان و پرستاران

مصطفی صابر

صفحه ۴

جدال بر سر اول مه، روز جهانی کارگر

شهلا دانشفر

صفحه ۶

هدف از جعل تاریخ حزب کمونیست ایران چیست؟

عبدل گلپریان

صفحه ۸

ملیت، مذهب، وطن پرستی و تمامیت ارضی. آیا اینها بانی و باعث یکپارچگی و اتحاد مردم ساکن یک کشور نیست؟

صفحه ۱۳

مصطفی صابر پاسخ میدهد

از ما میپرسند؟



از میان اطلاعاتی که کمپین برای آزادی
کارگران زندانی

صفحه ۱۲

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

چهره کریه سرمایه داری اسلامی!

زنده باد اتحاد کارگران!

مخمصه روحانی چطور رفع میشود؟

از نوزان و نیویورک تا تهران و قم!

صفحه ۵

خانه کارگر با شعارهای فاشیستی

در اول ماه مه امسال

صفحه ۳

روز جهانی کارگر و کشاکش

کارگران و مزدوران جمهوری اسلامی

صفحه ۱۳

تجمع و تظاهرات در کشورهای

مختلف علیه اعدام های گسترده

در ایران

صفحه ۱۰

قطعه نامه تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری

به مناسبت اول ماه مه ۲۰۱۵، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۴

از صفحه ۱

ما امروز در حالی به مناسبت روز جهانی کارگر دست در دست هم نهاده ایم که بیش از هر زمان دیگری، جنبش عظیم و یکپارچه ای از کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر توده های زحمتکش مردم ایران بر سر معیشت و پایان دادن به فقر و فلاکت در حال شکل گیری است. وقوع دهها اعتصاب کارگری در جای جای کشور، تجمعات بی وقفه معلمان، اعتراضات متحدانه پرستاران و گسترش مبارزات کارگران از همراهی خانواده های کارگری در اعتراضات گرفته، تا طومار نویسی و تجمع در مقابل مجلس و وزارت کار و اعتراضات در صنایع کلبی همچون صنایع پتروشیمی و معادن و خودرو سازنها که بطور روزمره ای در جریان هستند، همگی تنها گوشه هایی از بروز عینی این جنبش اجتماعی است که میرود با خلق صحنه های قدرتمندی از اعتراضات متحدانه و سراسری، بساط تحمیل بی حقوقی مطلق و ستم معیشتی بر میلیونها خانواده کارگری را به چالشی تعیین کننده بکشاند.

این جنبش در شرایطی هر روزه ابعاد گسترده تری به خود میگیرد که سرمایه داری حاکم بر ایران، چنان غرق در چپاولگری و کشمکش بر سر سهم خواهی از غارت دسترنج ما کارگران و زحمتکشان است که نه می تواند و نه می خواهد نقطه پایانی بر وضعیت مشقت بار موجود بگذارد. به همین دلیل نیز هست که با تصویب حداقل مزد ۷۱۲ هزار تومانی، تعیین چنین مزد تحقیر آمیزی را بیشرمانه به ما کارگران تبریک میگویند و سبانه تر از آن، با عدم پرداخت بموقع همین مزد، تداوم قطع سوسیدها، افزایش هر روزه قیمتها، آزاد سازی قیمت نان و اعمال ۹ درصد ارزش افزوده بر مایحتاج زندگی، دست به غارت و

چپاول بی رحمانه ای از این دستمزد ناچیز و خفت بار میزنند و با سرکوب بر حق ترین اعتراضات کارگری، محاکمه دسته جمعی کارگران معترض و محکوم کردن آنان به شلاق و زندانهای طویل المدت در صدد به تمکین واداشتن طبقه کارگر ایران به وضعیت موجود و شرایطی مصیبت بارتر از این هستند.

بدون تردید تحمیل فقر و فلاکت روز افزون بر میلیونها خانواده کارگری و سیاست تشدید سرکوب اعتراضات کارگری، نه تنها مغری برای سرمایه داری حاکم بر ایران نخواهد داشت بلکه ما کارگران و عموم مردم زحمتکش ایران را به مصافی تعیین کننده با وضعیت موجود خواهد کشاند و دیری نخواهد پایید که خشم در حال فوران ما کارگران و مردم زحمتکش ایران از اینهمه بی حقوقی، سرکوب و استیصال و درماندگی برای گذران زندگی، زمین را بر زیر پای عاملین و مسببین چنین وضعیتی داغ خواهد کرد. لذا ما امضا کنندگان این قطعه نامه با هشدار نسبت به تداوم سیاست تحمیل فقر و فلاکت و تشدید کم سابقه سرکوب اعتراضات کارگری و اعلام انزجار از تداوم چنین سیاستهایی، خواستهای خود را به شرح زیر اعلام و مصرانه بر تحقق آنها پای می فشاریم.

۱- ما با محکوم کردن تعیین حداقل مزد ۷۱۲ هزار تومانی که با خیمه شب بازی دولت، کارفرمایان، نماینده های دست ساز کارگری و فضا سازی ریاکارانه رسانه های رسمی و حکومتی بر طبقه کارگر تحمیل شد، مصرانه خواهان تجدید نظر فوری در حداقل مزد مصوب و افزایش آن به سه میلیون تومان بر اساس سبد هزینه ی مطابق با استانداردهای زندگی امروزی هستیم.

۲- ما با حمایت قاطعانه از اعتراضات بر حق و بی وقفه معلمان

و پرستاران، یگانه راه حل پایان دادن به ستم معیشتی موجود را اتحاد و یکپارچگی مبارزات عموم مردم زحمتکش ایران و بروز بیش از پیش آن به مثابه يك جنبش اجتماعی و سراسری میدانیم و خواهان تحقق فوری همه مطالبات معلمان و پرستاران هستیم.

۳- ما تلاشهای دولت و خانه کارگر برای تحمیل تشکلهای فرمایشی بر طبقه کارگر ایران را که از بالا و به شکل سازماندهی شده ای از طریق ایجاد انجمنهای صنفی و اتحادیه های دست ساز به پیش برده میشود قویا محکوم میکنیم و با فراخوان به کارگران در محیطهای کار برای برپائی سندیکاهای، شوراهای و تشکلهای مستقل کارگری، خواهان پایان دادن به هر گونه ممنوعیت و محدودیتی در ایجاد این تشکلهای بدون دخالت دولت و کارفرمایان هستیم.

۴- ما هرگونه سرکوب اعتراضات کارگری و مردمی، اعدامهای گسترده، صدور احکام شنیع شلاق و زندانهای طویل المدت بر علیه کارگران معترض و تحمیل شرایط غیر انسانی بر فعالین کارگری در بند و دیگر زندانیان را قویا محکوم میکنیم و خواهان توقف فوری اعدامها، لغو مجازات اعدام و شلاق از قوانین قضائی کشور، آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران و زندانیان سیاسی و توقف پیگردهای قضایی بر علیه آنان هستیم.

۵- آزادی بی قید و شرط اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات باید به عنوان حقوق مسلم و خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.

۶- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت و تاخیر در پرداخت مزد به مثابه يك جرم قابل تعقیب قضائی به

قانون تبدیل گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود.

۷- ما خواهان تامین امنیت شغلی، بر چیده شدن قراردادهای اسارت بار موقت و سفید امضا، حذف شرکتهای تامین نیروی انسانی و پیمانکاری، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل از کارگاههای کوچک تا کارگران مناطق آزاد تحت پوشش کامل قانون کار و اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی هستیم.

۸- ما تصویب هر گونه قوانین ضد کارگری تحت هر عنوان و مصوبه ای را قویا محکوم میکنیم و با تاکید بر وجود مواد ضد کارگری در قانون کار موجود، خواهان تغییر آن با دخالت نماینده های واقعی کارگران هستیم.

۹- ما گسترش روز افزون سوانح شغلی منجر به فوت و جرح را ناشی از زیاده خواهی و سود جوئی کارفرمایان و نتیجه سرکوب و پامال شدن بدبهي ترین حقوق انسانی و اجتماعی کارگران میدانیم و خواهان اعمال فوری بالاترین استانداردهای ایمنی در محیطهای کار هستیم

۱۰- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با يك زندگی مطابق با استانداردهای امروزی برخوردار شوند.

۱۱- کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان فوراً لغو و برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی باید به رسمیت شناخته شود.

۱۲- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی مرفه و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری در پرداخت مستمری و حقوق و مزایای بازنشستگان هستیم و با تاکید بر

اجرای بهداشت و درمان رایگان به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم ایران به مثابه یکی از وظایف اصلی دولت، خواهان باز پس گیری طرح ادغام صندوق تامین اجتماعی در بیمه سلامت همگانی، محاکمه علنی و فوری غارتگران این صندوق و سپردن اختیار آن به دست نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران شاغل و بازنشسته بدون هر گونه اعمال نفوذی از سوی دولت و کارفرمایان هستیم.

۱۳- هرگونه کار کودکان مطلقاً باید لغو و آنان می باید از تامین اجتماعی کامل، امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان جدا از جنسیت، موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی و وابستگی های ملی، نژادی و مذهبی برخوردار شوند

۱۴- ما خواهان رفع هرگونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها در ایران، توقف فوری اخراج آنان و اعطای حقوق شهروندی به این دسته از هم طبقه ای های خود هستیم

۱۵- ما با تاکید بر ماهیت استثمارگرانه نظام سرمایه داری در همه جای دنیا و قدرانی از حمایت تمامی سازمانهای کارگری جهان از مبارزات کارگران ایران، پشتیبانی خود را از اعتراضات کارگری در سرتاسر جهان اعلام میداریم و بر همبستگی بین المللی کارگران تاکید می کنیم.

۱۶- ما با محکوم کردن جنگ و جنایت و گسترش هر روزه آن در منطقه خاورمیانه، پیش آمدن این وضعیت هولناک و عروج بی سابقه جریانات تروریستی و سیاست وحشت آفرینی در کشورهای این منطقه را حاصل بن بست مناسبات سرمایه داری در پاسخ به نیازهای بشر امروز و سیاستهای ضد انسانی دول غرب و منطقه میدانیم و با

قطعه نامه مشترک معلمان و کارگران خباز بمناسبت روز جهانی کارگر

خانه کارگر با شعار های فاشیستی در اول مه امسال

کارگران مبارز در قطعه نامه های امسال اول مه با صراحت اعلام کرده اند که "ما خواهان رفع هرگونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها در ایران، توقف فوری اخراج آنان و اعطای حقوق شهروندی به این دسته از هم طبقه ای های خود هستیم".

پیام اتحادیه آزاد کارگران ایران بر علیه

فاشیسم خانه کارگر جمهوری اسلامی به

کارگران و مردم شریف افغانستان

شروع و مسیر راهپیمایی، از درب لانه فسادشان در مکان خانه کارگر در خیابان ابوریحان به سمت نماز جمعه حکومتی که فاصله کوتاهی با هم دارند سازمان دادند و اسم آنرا راهپیمایی کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر نام نهادند و به موازات آن، تلویزیون بی بی سی این مزدور سرمایه وطنی و جهانی نیز دست به انعکاس وسیع آن زد.

اما شما هم طبقه ای هایمان باید بدانید که خواست میلیونها کارگر ایرانی در قطعه نامه ۷ تشکل مستقل کارگری ایران بیان شده است.

بدانید که این قطعه نامه در تجمع کارگری (علیرغم سرکوب و بگیر و ببند) که در مقابل مجلس شورای اسلامی در روز هشتم اردیبهشت ماه با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران برگزار گردید قرائت شد و پس از تائید آن از سوی کارگران شرکت کننده در تجمع، رسماً به مجلس شورای اسلامی تحویل گردید.

ما در اتحادیه آزاد کارگران ایران این قطعه نامه را به پیوست این بیانیه بار دیگر منتشر و بدینوسیله همبستگی خود را با شما کارگران مهاجر افغانستانی در ایران و کل طبقه کارگر این کشور و همه کارگران جهان اعلام میکنیم.

**زنده باد همبستگی کارگران جهان،
زنده باد اتحاد و به هم پیوستگی
کارگران ایران با کارگران افغانستان**
اتحادیه آزاد کارگران ایران.
۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در اول مه امسال خانه کارگر و ایادی و عوامش بیشمارانه با طرح شعارهای فاشیستی علیه کارگران افغان سعی در ایجاد فضای نفاق و تفرقه داشتند و می خواستند خشم کارگران را به جای دولت و سرمایه داران متوجه کارگران افغان ساکن ایران کنند. این در حالیست که

امروز یازدهم اردیبهشت ماه، دم خوس خانه کارگر از میان دستان محبوب و ربیعی و خانه کارگر بیرون زد. شعار برجسته روز جهانی کارگر این مزدوران سرمایه چنین بود "کارفرما حیا کن افغانی را رها کن". برای ما کارگران ایران، کارگران افغانی عزیزترین انسانها و هم طبقه های هایمان هستند.

عزیزان، مطمئن باشید و بدانید ما کارگران ایران علیه این مزدوران سرمایه و کارخانه داران و حکومتگرانی از قبیل محبوب و صادقی و خانه کارگر و ربیعی و مجموعه راذل و اوباشی هستیم که در سایه دولت و تدبیر و امید سرمایه داران فرصتی برای ابراز وجود پیدا کرده اند.

اینان در آخرین لحظه های مرگ و نابودی شان، پرچم تحمیل فقر و فلاکت و انزجار طایفه ای و ملی را بر علیه طبقه کارگر بدست گرفته اند.

عزیزان، از شعار فاشیستی امروز مراسم خانه کارگر و مزدورانش نه تنها نباید رنجی بر تن رنجور شما عزیزان بنشیند بلکه باید بدانید راهپیمایی امروز خانه کارگر در اوج واخوردگی و شکست این جریان فاشیستی رقم خورد.

اینان چنان وحشت زده و درمانده اند که راهپیمایی امروز را کودتاگرانه به پیش بردند و به مثابه حکومت گران واخورده و بزدل در مقابل ما کارگران، این راهپیمایی را بدون اطلاع قبلی ما کارگران ایران از نقطه

کاری کارگران و معلمانی که طرف قرارداد آنان کارفرمای خصوصی است.

۷- به استناد قانون کار افزایش دستمزد کارگر هیچ ربطی به نرخ نان و یا هر کالای دیگری ندارد، هرگونه تبلیغات توسط رسانه های دولتی در این مورد را محکوم میکنیم.

۸- تعیین دستمزد ۷۱۲ هزار تومانی از سوی شورای عالی کار را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها کارگر دانسته و خواهان افزایش دستمزد متناسب با تورم موجود در جامعه می باشیم.

۹- ما ضمن رد جلسات سه جانبه برای تعیین دستمزد کارگران، خواهان تعیین دستمزدها با حضور نماینده منتخب کارگران هستیم.

۱۰- ما با اعلام پشتیبانی از اعتراضات برحق کارگران، معلمان، پرستاران و... حمایت قاطع خود را از ایجاد تشکلهای سراسری مستقل، که بتواند این اعتراضات را بصورت متحدانه و یکپارچه رهبری کند اعلام می نماییم.

۱۱- ما کارگران و معلمان جنگ افزوی دول غربی و متحدین منطقه ای آنان را محکوم و خواستار پایان دادن به هر گونه تبلیغات جنگ افزوزانه هستیم.

گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر انجمن صنفی معلمان مریوان

انجمن صنفی کارگران خبازی های مریوان و سروآباد
انجمن صنفی کارگران خبازی های سنندج و حومه

کارفرمایان و حامیان شان ادامه دارد و هر ساله به عمق و دامنه آن نیز افزوده می شود.

کارگران و معلمان در مقابل این وضعیت دیوار سکوت را شکسته و بر مطالبات برحق صنفی خود در هر شکل ممکن پافشاری کرده اند. آنان تولید کنندگان ثروت و معماران جامعه هستند و حق دارند که از بالاترین استانداردهای زندگی امروزی بهره مند باشند.

در روز جهانی کارگر و در راستای تحقق خواست های برحق خود مطالباتمان را به شرح زیر اعلام می داریم.

۱- ما حق ایجاد تشکل های مستقل کارگران و معلمان، تجمع، اعتصاب، آزادی بیان و اجرای کامل آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور در مورد کارگران را خواستاریم.

۲- برابری کامل زن و مرد در تمام جوانب زندگی اجتماعی و اقتصادی و لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنها.

۳- اعلام اول ماه مه به عنوان روز تعطیل در تقویم رسمی کشور و برداشتن هرگونه ممنوعیت و محدودیت در برگزاری مراسم مستقل این روز.

۴- لغو کلیه احکام غیر قانونی زندان، شلاق، تبعید و... علیه فعالین صنفی کارگری و معلم.

۵- ممنوعیت کار کودکان، حق تحصیل رایگان برای کودکان ایرانی و اتباع خارجی.

۶- توقف اخراج و بیکارسازی ها، لغو کلیه قراردادهای موقت و سفید امضا و بازبینی وضعیت نامطلوب شرایط

کارگران، معلمان و مردم شریف ایران!

امسال در شرایطی مراسمات اول ماه مه (روز جهانی کارگر) را پاس می داریم که بحران ساختاری سرمایه داری از بخش مالی و سیستم بانکی آمریکا بیرون زده و تمام جهان را فراگرفته است. سیاست های نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای برون رفت دولت های سرمایه داری از بحران عملاً به بن بست رسیده است. لاجرم سرمایه داری در هراس از انفجار اجتماعی با فروپاشی بازار، نفیر جنگ و فاشیسم را در سراسر جهان علی الخصوص منطقه خاورمیانه به صدا درآورده و استعمار نو را بازآفرینی کرده است. سرمایه داری برای نجات خود از بحران از هیچ سببیت و درندگی علیه توده های کارگر و زحمتکش، از کشتار بی رحمانه مردم بی دفاع غزه تا جنگ تروریستی برای کشتار مردم در سوریه، عراق و شمال آفریقا و اخیراً در اتحادی شوم علیه مردم یمن، کوتاهی نمی کند و آشکارا کمر به نابودی زیر ساخت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای منطقه بسته اند.

این بحران و تبعات ویران گر آن گریبانگیر زندگی و معیشت کارگران ایران نیز شده است. بطوریکه دستمزدها بشدت زیر خط فقر قرار دارد، اخراج و بیکار سازی ها شکل سریعتری به خود گرفته و پرداخت حداقل دستمزدهای بخور و نمیر به موقع صورت نمی پذیرد، تحمیل قرار دادهای موقت و سفید امضا بخش دیگری از دهها و صدها نقض حقوق کارگران است که مدت هاست از سوی

قطعه نامه تشکلهای ...

از صفحه ۲

فراخوان به کارگران و مردم آزادیخواه در سرتاسر جهان برای اعتراض به جنگ و ویرانگری در منطقه خاورمیانه، خواهان توقف فوری آن هستیم.
۱۷- اول ماه مه روز جهانی کارگر

باید تعطیل رسمی اعلام و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

اسامی تشکلهای و نهادهای کارگری امضا کننده قطعه نامه به ترتیب حروف الفبا:

۱- اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

۳- سندیکای کارگران نیشکر هفته تپه

۴- سندیکای کارگران نقاش استان البرز

۵- کانون مدافعان حقوق کارگر

۶- کمیته هماهنگی برای کمک به

ایجاد تشکلهای کارگری

۷- کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

طبقه رهنمون ملت!

درباره جایگاه سیاسی اعتصابات کارگران، معلمان و پرستاران



مصطفی صابر

موج اعتصابات و مبارزات کارگران، معلمان و پرستاران، این روزها نگاه‌ها را به خود جلب کرده است. یک وجه برجسته و باید گفت بی سابقه این اعتراضات، این واقعیت این است که همه این بخش‌های مردم که سازندگان واقعی زندگی اند عملاً، عیناً و محسوس‌تر از هر زمان دیگر در یک صف واحد طبقاتی قرار گرفته‌اند. این بخش‌ها در مبارزه برای افزایش دستمزد و بهبود وضعیت خود، با شعار مشترک "معیشت و منزلت"، صف کمابیش واحدی را در مقابل رژیم حاضر بورژوازی یعنی جمهوری اسلامی شکل داده‌اند. این در حالی است که همواره تلاش غول‌آسایی از سوی دولت‌های بورژوازی و جنبش‌های سیاسی آن، چه در زمان شاه و چه در دوره جمهوری اسلامی، در جریان بوده است تا بین این بخش‌های طبقه کارگر تمایز و تفرقه را دامن بزند. این تلاش برای ایجاد تمایز و تفرقه بین کارگر و معلم و پرستار و غیره، البته همین الان هم با قوت در جریان است و گاه تحت‌الوای اینکه "مبارزه ما صنفی است" یا "ما شامل این قانون هستیم نه آن قانون" و غیره میکوشد خود را توجیه کند. اما نکته شورانگیز این است که این تلاش‌های نیز نتوانسته مانع شکل‌گیری این صف واحد عینی طبقاتی شود و این‌ها هر کس می‌تواند تشخیص دهد و از آن نیرو می‌گیرد.

با اینهمه باید واقع بین بود و به این توجه کرد که این وحدت فراصنفی و طبقاتی هنوز در مراحل اولیه اش است. به دلائل گوناگون، اعم از فشار اختناق و تلاش پلیسی امنیتی رژیم و یا تلاش تفرقه افکنانه جنبش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی، چه ملی اسلامی و چه ناسیونالیسم پروغرب و دنباله‌های چپ آنها، و دلائل دیگر شکننده است. گرچه همین درجه پیشروی بسیار با ارزش است و ثمره سخت‌کوشی و فداکاری رهبران و فعالین زیادی بوده اما هنوز

تا شکل دادن به یک رهبری سیاسی تیز و پرنفوذ و قوام بخشی سازمانی و تشکیلاتی به این تحرك اجتماعی راه پر پیچ و خمی در پیش است. راهی که باید هرچه سریع‌تر طی شود. اگر این‌ها ضریب اوضاع سیاسی بسیار متحول ایران و تشدید تناقضات جمهوری اسلامی پس از توافق لوزان و تحولات منطقه و جهان کنیم، آنوقت ضرورت عاجل قوام بخشیدن به این اتحاد طبقاتی و سیاسی کارگران، معلمان، پرستاران و سایر اقشار طبقه کارگر بیشتر حس می‌شود. نه فقط برای رسیدن به معیشت و منزلت، بلکه برای نجات کل جامعه!

در همین رابطه است که می‌خواهم توجه فعالین، رهبران، همراهان و دلسوزان این حرکات را صمیمانه به چیزی جلب کنم که این اعتصابات و مبارزات کارگران و معلمان و پرستاران توجه من را بار دیگر به آن جلب کرده است. به مانیفست کمونیست، اثر مشهور کارل مارکس و فردریک انگلس! میدانم برای بخشی از کسانی که مخاطب من هستند این جلب توجه به مانیفست کمونیست شاید جسارت باشد چرا که آنها هم مثل من بارها مانیفست را خوانده‌اند. برای بخشی دیگر این توصیه و بذل توجه شاید عجیب و مخالفت برانگیز باشد چرا که چه بسی مانیفست کمونیست را کهنه و از دور خارج شده محسوب کنند. اما فکر می‌کنم فضای شور و همبستگی که مبارزات اخیر بوجود آورده و ضرورت اوضاع به من اجازه میدهد تا اصرار کنم که بنظر من مانیفست علی‌رغم اینکه در نیمه قرن نوزده نوشته شده از خیلی جهات کم‌اکنون متن معاصر و مربوطی است. نه فقط این، بلکه از لحاظ تصویر عام اما دقیقی که از سیر و سرانجام مبارزه سیاسی و طبقاتی در جوامع امروز بشری بدست میدهد بسیار خط‌دهنده است و درست به خال می‌زند. رجوع (و یا رجوع مجدد) به مانیفست کمونیست و تعمق در ارزیابی و جهت

گیری آن می‌تواند تصویر و افق مشترکی به تک‌تک ما بدهد. این افق مشترک در بین فعالین و کوشندگان جنبش عظیم طبقاتی که در پیش چشمان ما جریان دارد (و اعتصابات و اجتماعات و تظاهرات معلمان، کارگران و پرستاران تنها نوك کوه یخ آن است)، برای امر اتحاد سیاسی و سازمانی در هر سطح و هر مقطع از مبارزه و برای شکل دادن به یک رهبری پرنفوذ و منسجم بسیار ضروری است. اجازه دهید قدری توضیح دهم:

اولین نکته در مانیفست که توجه به آن این روزها خیلی ضروری است تاکید آن بر همین صف بندی طبقاتی و سیاسی است که نمونه آن اکنون عیناً در ایران جریان دارد. اینکه که چگونه جوامع کنونی بشری تحت حاکمیت سرمایه داری به دو قطب بزرگ تقسیم می‌شود. قطب سرمایه داران و صاحبان وسائل و امکانات تولید اجتماعی و قطب نیروی مولد جامعه یا کسانی که جز فروش نیروی کار خود به سرمایه محل درآمد دیگری ندارند. بورژوازی و پرولتاریا! بعبارت دیگر اینکه امروز معلم و کارگر و پرستار، شاغل و بازنشسته، پیر و جوان، در یک صف قرار گرفته‌اند و یک حرف می‌زنند و معیشت و منزلت می‌طلبند صرفاً به این خاطر نیست که یک جمهوری اسلامی جلا و فاسد و ارتجاعی بر سر کار است و کل جامعه را علیه خود متحد کرده است. اولاً جمهوری اسلامی محصول و رژیم بورژوازی است؛ آنرا بر سر کار آوردند و هنوز هم در پی حک و اصلاح آن هستند چون سرمایه داری امروز چیزی بهتر از این برای حفظ موقعیتش در ایران سراغ ندارد. ثانیاً، حتی در جاهایی که امثال جمهوری اسلامی بر سر کار نیست باز ما شاهد همین شکل‌گیری صف بندی طبقاتی توده‌های عظیم مردم (که عمده آنها پرولتر هستند) در برابر "یک درصدی"‌های حاکم هستیم. بعبارت دیگر این اتحاد عملی و سیاسی کارگر و معلم و پرستار و حمایت دانشجو از آن‌ها

که امروز در ایران می‌بینیم ریشه‌های بسیار عمیق در مناسبات و نظام اجتماعی حاکم دارد. توجه به این واقعیت، که مانیفست در یک چهارچوبه عمومی و تاریخی و جهانی به آن اشاره می‌کند، نه فقط صف اتحاد و همبستگی در مقابله با جمهوری اسلامی را بسیار تقویت می‌کند بلکه اجازه نمی‌دهد که حتی با کنار زدن جمهوری اسلامی این صف دچار تفرقه و تشتت شود و یک مشت مفتخور دیگر بیایند با استفاده از تفرقه و ابهام و بی‌افقی کارگر و معلم و پرستار و غیره برگردند مردم سوار شوند.

نکته دوم، تاکید مانیفست بر مبارزه طبقاتی و سیاسی است. مانیفست توضیح میدهد که چگونه از دل مبارزات صنفی و پراکنده پرولتاریا با این کارفرما و آن کارفرما سرانجام مبارزه سیاسی و طبقاتی آن شکل می‌گیرد. اینهم دقیقاً چیزی است که مصداق آن در برابر چشمان ما جریان دارد. علی‌رغم همه شقه شقه‌هایی که در جمعیت عظیم فروشندهان نیروی کار صورت داده‌اند و هر قشر و صنفی را بنوعی با قانون و چهارچوبه‌ای سرکار گذاشته‌اند که فکر کند از باقی هم طبقه‌ای هایش منافع صنفی و حقوقی متفاوت و متمایزی دارد، ما امروز شاهد یک حس عمیق و قوی همسرنوشتی هستیم. همسرنوشتی که می‌بینیم امروز کارگر و معلم و پرستار را زیر یک شعار و در یک صف عملاً متحد کرده است. این حس همسرنوشتی باز قبل از اینکه صرفاً ناشی از جمهوری اسلامی باشد ناشی از یک موقعیت عینی بردگان مزد است که مانیفست بدقت توضیح میدهد که چگونه بورژوازی به ناگزیر زندگی مذلت‌باری برای همه بردگانش ایجاد میکند. این حس همسرنوشتی نه فقط ایرانی که جهانی است. الان هرکجای جهان شما به هر عابر خیابان بگویید آیا شما جزو یک درصدی‌ها هستید که اختیار همه چیز را دارند یا ۹۹ درصدی‌هایی که محروم و فقیر و تحت ستم‌اند؟ فوراً زبان شما را

می‌فهمد و جایگاهش را معلوم می‌کند. مانیفست منافع صنفی و رو در رویی این یا آن بخش از پرولتاریا را نفی نمی‌کند و اهمیت آنرا نادیده نمی‌گیرد. بلکه به درست بر این تاکید دارد که این مبارزات باید به مبارزاتی سیاسی و طبقاتی تبدیل شود تا پرولتاریا بتواند واقعا وضع خود را تغییر دهد. باید به یک حزب سیاسی یعنی رویایی سیاسی طبقه کارگر با کل طبقه بورژوازی منجر شود که البته برای پیروزی این مبارزه نهایتاً باید به خلع قدرت سیاسی بورژوازی و کسب قدرت توسط طبقه کارگر بینجامد. مانیفست بدقت این پروسه را توضیح میدهد که چگونه طبقه کارگر باید از قدرت خود برای خلع قدرت اقتصادی بورژوازی و برقراری جامعه آزاد و برابر کمونیستی استفاده کند. مانیفست حتی تعاریف جالبی از اقتصاد جامعه کمونیستی دارد. اینکه برای مثال چطور در جامعه حاضر کار مرده (سرمایه در هر شکل آن اعم از کارخانه، پول، بانک و غیره) بر کار زنده یعنی بر فروشندهان نیروی کار حاکم است. اما در جامعه کمونیستی کار زنده یعنی خود انسان تولید کننده بر کار مرده و متراکم شده قبلی (که در تملک جامعه قرار دارد) حاکم است و از آن برای غنای زندگی خود استفاده می‌کند. طبعاً اینجا فرصت پرداختن به همه این جوانب نیست. بلکه قصد فقط تاکید بر ضرورت مبارزه سیاسی یعنی طبقاتی است. اینکه برای مثال اجازه ندهیم ملاحظات و ضروریات صنفی که گاه اهمیت فوری و بلافصلی هم ممکن است داشته باشد بر اتحاد سیاسی و طبقاتی سایه افکند. بخصوص این در ایران امروز تحت حاکمیت جمهوری اسلامی باید مورد تاکید موکد قرار گیرد که هیچ صنف

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

زنده باد اتحاد کارگران!

هفت تشکل مستقل کارگری در ایران بمانست روز جهانی کارگر پیام و یا بقول خودشان فراخوانی خطاب به "عموم مردم زحمتکش ایران" منتشر کرده اند که نشانه جایگاه برجسته جنبش کارگری در فضای سیاسی جامعه است. در میان های وهوی مذاکرات هسته ای و رابطه باغرب، اعدامهای جمعی و بازداشتها و محکومیتها، و این روزها کارگرپناهیهای مزرورانه مقامات و نهادهای کارگری وابسته به آنها، صدای رسائی علیه وضعیت موجود بلند میشود که بیانگر روح و جوهر و پیام روز جهانی کارگر است. صدائی به نمایندگی از توده مردم علیه حکومت و سلطه سرمایه بر مقدرات جامعه. صدائی که اعلام میکند دستمزد تحقیرآمیز ۷۱۲ هزار تومانی را نمی پذیرد، از مبارزات و خواستهای برحق معلمان و پرستاران قاطعانه حمایت میکند، و خواستار لغو مجازات اعدام و شلاق و آزادی بیقید و شرط کلیه کارگران و زندانیان سیاسی است. اعلام میکند قوانین تبعیض آمیز در مورد زنان باید لغو شود، "هرگونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها در ایران" باید رفع شود، آزادی بی قید و شرط اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و

مطبوعات باید برسمیت شناخته شود، و کار کودکان باید ممنوع شود. اعلام میکند گسترش جنگ و جنایت در خاورمیانه نتیجه بن بست مناسبات سرمایه داری است و کارگران و مردم جهان را به اعتراض به این شرایط فرامیخواند.

این صرفا يك قطعنامه نیست، بلکه صدای توده های عظیم مردمی است که وضعیت مشقت بار موجود را نمی خواهند و نمی پذیرند. این کیفرخواست نود و نه درصدیها علیه يك در صدهای سرمایه دار در ایران و در همه جای دنیا است.

این فراخوان را باید بعنوان يك دستاورد مهم جنبش کارگری در ایران به ثبت رساند. اما اهمیت این سند تنها در مضمون انسانی و رادیکال آن نیست بلکه در این واقعیت هم هست که به امضای هفت تشکل و نهاد مستقل کارگری منتشر شده است. وحدت و همبستگی این تشکلهای در اعلام این پیام و فراخوان به همان اندازه اهداف و خواستهائی که اعلام میکند حائز اهمیت، امید بخش، و شایسته پاسداری است. زنده باد وحدت و همبستگی طبقاتی کارگران!

مخمسه روحانی چطور رفع میشود؟

است، اعدام "مرتدین" و بی خدایان قانونی است، آپارتاید جنسی و برتری مردان به زنان قانونی است، تجاوز به دختران خردسال تحت نام ازدواج شرعی قانونی است، بستن دهان و تعقیب و بازداشت آزاد اندیشان و رسانه ها و سایتها به اتهام توهین به مقدسات اسلام و ولی فقیه و غیره قانونی است، محرومیت زنان از بسیاری از رشته های تحصیلی و ورزشی و حتی نفی حق سفر و ازدواج و شرکت در فعالیتهای اجتماعی بدون اجازه پدر و یا شوهر قانونی است، و در يك کلام جنایت و توحش و نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی در جمهوری اسلامی قانونی است. مشکل عدم اجرای قانون نیست بلکه برعکس اجرای قوانین جنایتکارانه و ضد انسانی است که توجیه و محملی بجز "شرع مقدس اسلام" ندارند. گرفتاری مردم و مخمسه فکری جناب روحانی تنها با بزرگ کشیدن حکومت و جارو کردن بساط این جنایت مقدس از کل جامعه امکان پذیر است.

"پلیس موظف به اجرای اسلام نیست ... وظیفه پلیس اجرای قانون است و اگر غیر از این باشد، بی خودی در مخمسه فکری قرار گرفته و مردم را گرفتار کرده ایم". حسن روحانی

ظاهرا رئیس جمهور "تدبیر و امید" سوراخ دعا را گم کرده است. اسباب گرفتاری مردم و مخمسه حکومت، اسلام در حاکمیت است یعنی همان احکام شرعی کپک زده و عهد عتیقی که به قانون تبدیل شده و بوسیله پلیس و دیگر نهادهای سرکوبگر حکومتی به جامعه تحمیل میشود. اعدام همجنسگرایان و "مرتدین" و "زناکاران" و بسیاری از متهمینی که "جرم" شان بنا به ابتدائی ترین موازین حقوقی جوامع مدنی اصولا جرم محسوب نمیشود در جمهوری اسلامی امری قانونی است، شلاق و تعزیر و سنگسار قانونی است، برتری مردم منسوب به شیعه نسبت به بقیه مذاهب و مسلمانان نسبت به بقیه ادیان قانونی

چهره کریه سرمایه داری اسلامی!

وابسته به آنها و سودهای نجومی است که این مافیای اقتصادی به جیب میزند. این نظام را باید از ریشه برانداخت و برای رسیدن به این هدف نقش طبقه کارگر و جنبش کارگری حیاتی است. جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین و وحشی ترین و ضد انسانی ترین حکومت سرمایه داری در ایران است و دقیقا به همین دلیل تنها بقدرت يك جنبش کارگری چپ، رادیکال، متحد و پیشرو که کل توده مردم به ستوه آمده را علیه جنایت مقدسی که جمهوری اسلامی نامیده میشود نمایندگی کند و به حرکت در آورد، میتوان جامعه را از بی تامينی جانی و اقتصادی و اجتماعی حاکم نجات داد. قطعنامه هفت تشکل کارگری بمناسبت اول مه مه گام مهم و امید بخشی در این راستا است.

بنا بر آمار رسمی سال گذشته ۴۳۳ نفر در اثر حوادث ناشی از کار در استان تهران جان خود را از دست داده اند. یعنی بیش از يك کارگر در روز. این تنها آمار رسمی اعلام شده آنها تنها در يك استان است. مسلما آمار واقعی کشته شدگان سوانح کار در استان تهران و در سراسر ایران بسیار بیشتر و تکانه دهنده تر از آمار رسمی است. این عدم تامین جانی را در کنار بی تامينی اقتصادی، یعنی حداقل دستمزد کمتر از يك چهارم خط فقر، و عدم تامین سیاسی و قضائی، یعنی بازداشتها و وسیع و احکام شلاق و حبسهای سنگین علیه فعالین کارگری، قرار بدهید تا چهره کریه سرمایه داری اسلامی کامل شود. جزء دیگر این تصویر چپاول و دزدیهای میلیاردي آیتالله ها و دار و دسته های حکومتی و دلالان و مقاطعه کاران و سرمایه داران

از لوزان و نیویورک تا تهران و قم!

قم!

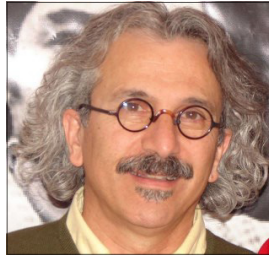
بیش نخواهد بود، نیز چیزی بجز حفظ همین سرمایه سیاسی نیست. جناحی میخواهد با تعامل و تنش زدائی با غرب نظام متبوعش را حفظ کند و دیگری با ادامه خط ضد آمریکائیگری. هر يك سیاست جناح مقابل را به ضرر حفظ و بقای جمهوری اسلامی میدانند و هر دو هم حق دارند! مبنای نگرانی هردو خیزش انقلابی توده مردم به ستوه آمده از وضع موجود است.

از دید توده مردم رانده شده بزر خط فقر کلید حل مشکلات اقتصادی نه در لوزان و ژنو و نیویورک است و نه در بیت رهبری و دالانهای حکومت. نه عادی سازی رابطه با غرب دردی از مردم دوا خواهد کرد و نه کوبیدن بر طبل توخالی غرب ستیزی. راه حل واقعی حل مشکلات اقتصادی - و سیاسی و اجتماعی - مردم بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی است و بس.

"کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست بلکه مبتنی بر تقویت تولید داخلی است". خامنه ای

این اظهارات علیه خط رفسنجانی - روحانی و استراتژی گشایش اقتصادی از طریق عادی سازی رابطه با غرب" بیان شده است. خامنه ای با "ترمش قهرمانانه" و موضع "نه مخالف نه موافق" فعلا به مذاکرات لوزان و ژنو و نیویورک رضایت داده است اما به شدت نگران دلوایس کیان اسلام و بقای نظام جمهوری اسلامی است. میخواهد تحریمها متوقف شود بی آنکه سرمایه سیاسی ضد آمریکائیگری و غریستیزی حکومتش بر باد برود. شان نزول "اقتصاد مقاومتی" و "تقویت تولید داخلی" و غیره که همه میدانند با وجود تحریمها و انزوای اقتصادی رژیم تبلیغات توخالی ای

اول ماه مه و آینده جامعه



خلاص کند. ما برای اصلاحات مبارزه میکنیم بدون اینکه ذره ای به سرمایه داری "اصلاح شده" رضایت دهیم و یا توهمی داشته باشیم. ما برای بهبود روزمره موقعیت کارگر و توده مردم زحمتکش مبارزه میکنیم بدون آنکه ذره ای توهم به سرمایه داری با چهره "انسانی" داشته باشیم.

واقعیت این است که در دوران کنونی بیش از هر زمان شرایط جامعه برای تغییرات بنیادی و دگرگون کننده آماده و مهیا است. مناسبات مردم با رژیم اسلامی کاملاً تغییر کرده است. ما با جامعه ای روبرو هستیم که هر لحظه میتواند منفجر شود. خرمنی که با هر جرقه ای میتواند شعله ور شود. از این رو مساله تغییر و تصرف قدرت سیاسی علاوه بر تلاش تغییر شرایط کار و زندگی و حداقل دستمزد در دستور جامعه است. و مساله اساسی این است که چگونه کارگر و کمونیسم جامعه میتوانند تضمین کنند که در این تحولات نه تنها با تمام موجودیت رژیم کشیف اسلامی تعیین تکلیف شود بلکه این تحولات در کم مشقت ترین شکلی به نظامی آزاد، برابر، مرفه، یک جامعه آزاد کمونیستی دگرگون شود. ما برای چنین چشم انداز و هدفی مبارزه میکنیم. این مساله در عین حال یکی از مسائل اساسی است که اول ماه به آن گره خورده است.

ما در عین حال عمیقاً واقفیم که آلترناتیو کارگر و کمونیست تنها آلترناتیو برای آینده نیست. اپوزیسیون بورژوازی، جریانان راست و محافظه کار پرو غربی نیز یک پای جدال بر سر آینده اند. در تلاش برای تحمیل یک آینده ارتجاعی و استثمارگراییانه به مردمی تشنه آزادی و برابری و رفاه. از این رو تلاش برای خنثی کردن آینده ای که در آن بار دیگر طبقات استثمارگر ماحصل تلاش و فداکاری جامعه را از آن خود کنند، یک وظیفه دائمی حزب ماست. کنار زدن موانع و ایستگاههایی که این جریانان در مقابل تحولات جامعه قرار میدهند یک امر همیشگی ماست. تلاش برای در هم کوبیدن ایستگاههای

اول ماه بار دیگر از راه میرسد. در اول ماه مه علاوه بر تلاش همیشگی برای بهبود شرایط کار و زندگی و حقوق مدنی در جامعه، علاوه بر تاکید بر همسرنوشتی و همبستگی طبقاتی کارگران فارغ از ملیت و قومیت و مذهب و مرزهای جغرافیایی، علاوه بر تاکید بر ضرورت دگرگونی این جامعه نابرابر و ضد انسانی، مسائل اساسی دیگری در محور جدالهای جامعه قرار دارد. در عین حال سوالات پایه ای دیگری در مقابل کارگر و کمونیسم قرار دارند: چگونه میتوان از شر رژیم اسلامی خلاص شد؟ استراتژی ما در این رابطه چیست؟ چگونه کارگر و کمونیسم میتوانند در راس تحولات جامعه، یک آینده شایسته انسان را برای همگان فراهم کنند؟

در پاسخ، قبل از آنکه به کلیت سؤال بپردازم، به این نکته باید اشاره کرد که دیوار چینی تلاش ما برای تغییرات بنیادی و دگرگون کننده را از تلاش برای تغییرات اندک و جزئی و یا اصلاح و بهبود وضعیت موجود و روزمره جدا نمیکند. ما با همان شدتی که برای انجام انقلاب کارگری و نابودی مناسبات استثمارگراییانه طبقاتی موجود مبارزه میکنیم، با همان شدت هم روزمره برای بهبود شرایط کار و زندگی و حقوق مدنی کارگر و تمامی شهروندان جامعه مبارزه میکنیم. انقلاب اجتماعی امری نیست که بنا به اراده ما در هر زمان قابل تحقق باشد. یک واقعیت عینی و اجتماعی است. محصول یک دگرگونی عمیق و تلاقی عظیم اجتماعی و طبقاتی در جامعه است. هر روزه قابل تحقق نیست. دوره ای و تاریخی است. از این رو اگرچه مبارزه برای رفم و اصلاحات یک رکن تلاش دائمی ماست. اما در عین حال توضیح میدهم که هیچ رفم و اصلاحی مادام که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه و نظام حاکم را دست نخورده نگاه داشته باشد، نمیتواند پایدار باشد، نمیتواند جامعه را از شر مبانی پایه ای و تعیین کننده ستم و استثمار و تبعیض طبقاتی و اجتماعی موجود

باید رهبران رادیکال و سوسیالیست کارگری در مقابل تلاش کارگر و جامعه قرار دهند.

۳- فاکتور مهم دیگر این است که جامعه ای که در حال طغیان و تحول است، در هر حال دارد به وضع موجود "نه" میگوید. اما سؤال این است که کدام "نه" در راس اعتراضات قرار میگیرد. "نه" به گوشه از وضعیت موجود یا "نه" به کلیت نظام اسلامی و سرمایه داری؟ "نه" به ذره ای از نابرابری و تبعیض یا "نه" به تمامی اشکال و همچنین مبانی نابرابری سیاسی و طبقاتی در جامعه؟ "نه" به گوشه ای از استبداد و خفقان و بی حقوقی یا "نه" به هر آنچه که نافی حقوق آزاد و برابر شهروندان جامعه است؟ "نه" به بخشی از زن ستیزی یا "نه" به هر آنچه که باعث تحقیر و فرودستی و ستم بر زن است؟ "نه" به گوشه از حاکمیت مذهب در حکومت و شئون زندگی اجتماعی یا "نه" به تمامیت آن؟ "نه" به ذره ای استثمار یا "نه" به کلیت مبانی و پایه های استثمار و کار مزدی در جامعه؟ مساله این است. جریانان راست و ملی اسلامی تمام تلاششان این است که این "نه" محدود باشد. طبقاتی و ریشه ای نباشد. صرفاً به گوشه ای از نابرابری و ستم موجود محدود شود. تمام تلاششان این است که بنیادهای نظام طبقاتی و استثمارگراییانه دست نخورده باقی بماند.

۴- تاکید آخر بر کارها و مشغله های اصلی اردودی کمونیسم کارگری در این دوره است. ما مدتی است که از "کمونیسم سازمانده و رهبر" صحبت میکنیم. و گامهای بسیاری در این مسیر برداشته ایم. این یک ویژگی متمایز کننده صف ماست. این تلاش تاکنون نتایج مهم و تعیین کننده ای برای جریان کمونیسم کارگری داشته است. اما تحقق شرایط ذکر شده در بالا تماماً در گرو پیشبرد دائمی این تلاش است. هر درجه قدرتیگری اردودی ما منوط به این است که رهبران رادیکال و کمونیستی طبقه کارگر چگونه قدرت عمل و سازماندهی خود را در ارتباطی ارگانیک با حزب کمونیسم کارگری تحکیم و گسترش میدهند. واقعیت شیرین این است که ما میتوانیم پیروز شویم. اما مسیری که

کارگری و دیگری انتخابات آزاد در فدای سرنوشتی رژیم اسلامی.

اما سرنوشت انقلاب کارگری به این امر گره خورده است که آیا کارگر و کمونیسم توان آن را دارند که رهبری این اعتراضات را در دست بگیرند؟ آیا آن نیرویی میتوانند بشوند که در پس تحولات جامعه به راس اعتراضات عروج کنند و جامعه را پیرامون اردو و سیاستهای عمیقاً انسانی خود قطبی و پلاریزه کنند. آیا رهبران رادیکال و سوسیالیست کارگری چنین افقی را در مقابل توده های کارگر معترض قرار میدهند و برای آن تلاش میکنند؟

۲-ا انتخاب آتی جامعه یک انتخاب سیاسی و مادی است. مسلماً مقبولیت و مطلوبیت سیاسی یک پایه آن است اما تمام آن نیست. فاکتورهای دیگری از جمله قادر بودن، قابل اتکا بودن، مورد اعتماد واقع شدن و مجموعه ای از فاکتورهایی این چنینی در این چهارچوب تعیین کننده است. از این رو تلاش ما علاوه بر طرح همیشگی سیاست ها و جلب نیرو به اردوی خود در عین حال باید متوجه ایجاد امکانات و توانی باشد که قدرت جاذبه عمیقی در جامعه ایجاد کند. تلاشی که اعتماد توده کارگر و مردم زحمتکش را به قابل تحقق بودن چنین پروژه ای جلب کند. نمیتوان از توده مردم انتظار فداکاری و قرار گرفتن در این اردو را داشت بدون آنکه به درجه ای قابلیت تحقق این آلترناتیو اثبات شده باشد. در این راستا چنانچه طبقه کارگر با جنبش خود بطور متشکل و با پرچم رادیکال و سوسیالیستی وارد میدان جلال بر سر قدرت سیاسی شود، بخش اعظم این معمای حیاتی حل خواهد شد. آن زمان خاطره ها یاد آور روزهایی خواهد شد که جامعه فریاد میزد، "کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما!" آری این بار اگر کارگر با حزب متشکل و کمونیستی خود، حزب کمونیست کارگری، پا به این عرصه بگذارد آن زمان شمارش معکوس عمر رژیم اسلامی آغاز خواهد شد، شانس آلترناتیوهای راست و مرتجع به شدت افت خواهد کرد. از این رو طبقه کارگر باید متشکل شود، باید متحزب شود. آیا باز هم باید تاکید کرد که طبقه کارگر بدون حزبش به پیروزی نمیرسد؟ این افقی است که

سازش و با وضعیت موجود یک رکن تلاش ما برای رهایی جامعه است. از نقطه نظر ما مساله محوری این است که چگونه طبقه کارگر و کمونیسم میتوانند در شرایطی که جامعه دستخوش یک تحول عظیم اجتماعی است در راس این اعتراضات قرار گرفته، آن را رهبری و هدایت و سازماندهی کنند، توده عظیم مردم را به اردوی آلترناتیو رهاییبخش و سوسیالیستی خود جلب کنند تا بتوانند یک جامعه آزاد و برابر و مرفه را پایه گذاری کنند. این یک جنبه مشخص از پیام اول ماه است. در بررسی این معادله به چند فاکتور باید اشاره کرد:

۱- در درجه اول باید تاکید کرد که "همه با همی" در کار نیست. جامعه به دو اردوی چپ و راست شده و این تقسیم بندی فقط تشدید خواهد شد. جریانان ملی - اسلامی مغلوب تر از آنند که آلترناتیوی برای آینده سیاسی در ایران باشند، سرنوشتشان اساساً به حکومت اسلامی گره خورده است، با در سراسیمگی قرار گرفتن حکومت اسلامی آنها نیز راه فراری از چنین سرنوشتی نخواهند داشت. از این رو صافبندی آتی اجتماعی چنین سیمایی دارد: در یک طرف کارگر و کمونیسم، جنبش کمونیسم کارگری، جنبش آزادی زن و جنبش خلاصی فرهنگی جوانان قرار دارد و در طرف دیگر معادله جریانان راست و محافظه کار پرو غربی. هرگونه تلاش برای ایجاد "اتحاد" میان این دو اردو تلاشی برای به مسلخ بردن کارگر و کمونیسم است. در این چهارچوب همانطور که منصور حکمت در سمینار "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" تاکید کرده است، دو پروسه برای به قدرت رسیدن اردوی ما قابل تصور است. یکی انقلاب

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در
هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز
قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز
به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان
اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

به خاک سپرده نشود. فردایی که جایی از زن ستیزی در آن نباشد. زن انسان فروستی نباشد، زن بودن جرم نباشد. خرافات و تحجر و عقب ماندگی و مذهب زندگی مردم را در چنگال خود به اسارت نگرفته باشد. کسی برای زندگی ناچار نباشد نیروی کار خود را به فروش برساند، کار مزدی دون شان انسان و جامعه باشد. کار فعالیت کسل کننده و عذاب آور نباشد، برعکس کار فعالیت خلاق برای رفع نیازمندیهای همگان در جامعه باشد و هرکس به اندازه نیازش از محصولات تولید شده که حاصل تلاش همگان است برخوردار باشد و به میزان توانش در رفع نیازمندیهای همگان بکوشد. سهم جوان از زندگی بیکاری و تباهی آینده اش نباشد. و باید تاکید کرد که اگر حکومت در دست ما باشد تحقق چنین جامعه ای در فردای سرنگونی رژیم اسلامی تماماً ممکن و مقدر است. در آستانه اول ماه مه بار دیگر تاکید میکنیم که پیروزی جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم هر چه بیشتر به نقشی که کارگر و کمونیسم در این تحولات ایفا میکنند، گره خورده است. ما تاکید میکنیم که طبقه کارگر باید با پرچم مستقل سوسیالیستی خود، متشکل و متحد، در این اعتراضات شرکت

اول مه و آینده جامعه

از صفحه ۶

باید طی شود الزاماً سرازیری نیست. درپچه ای به روی ما باز است. از این درپچه میتوان چشم انداز يك دنیای زیبا و انسانی و شاد و مرفه و خوشبخت را، دنیایی فارغ از استثمار و استبداد را مشاهده کرد. واقعیت این است باید تمام آزادی را خواست، تمام رهایی را خواست. تمام خوشبختی و سعادت را خواست. ما مخیر نیستیم. باید برای تمام پیروزی تلاش کنیم. این ستوالی است که در مقابل گرایش کمونیسم کارگری قرار دارد. اول ماه مه برای ما تلاشی برای پاسخگویی به این مسائل اساسی پیشروی طبقه کارگر و جامعه است. این واقعیت شیرین، نفس اینکه ما میتوانیم پیروز شویم، به خودی خود تلاش عظیمی را در دستور ما قرار میدهد. تلاشی که تضمین کننده فردایی است که در آن کسی گرسنه نباشد، کسی بیسواد نباشد، کسی شب را در خیابان بستر نبرد، کودکی از گرسنگی و سوء تغذیه جان خود را از دست ندهد. استعداد و خلاقیت هیچ انسانی بخاطر تولدش در صفوف طبقه کارگر و محروم نابود نشود. آرزوها و آمال توده انسان کارکن بخاطر سود و انباشت سرمایه

طبقه رهنمون ملت!

از صفحه ۴

و رسته ای به تنهایی قادر نیست حتی بهبود جلدی در معیشت و منزلت خود ایجاد کند. بلکه هر گامی در جهت تحقق شعار معیشت و منزلت چنانکه بطور عینی هم داریم می بینیم تنها میتواند محصول يك مبارزه سیاسی و طبقاتی پرقدرت و منسجم باشد. حتی بیش از این، باید واقع بین باشیم و بدانیم که جنگ جدی در پیش رو داریم. جمهوری اسلامی در مقابل خواست معیشت و منزلت ما بسادگی کوتاه نخواهد آمد چون بورژوازی این دوره و بخصوص این رژیم آدمخوارش جای کوتاه آمدن ندارد. در نتیجه باید خودمان را برای کنار زدن کل جمهوری اسلامی و خلع ید سیاسی از کل بورژوازی و جایگزینی آن با "طبقه کارگری که بصورت دولت متشکل شده است"

کند و رهبری آن را در دست گیرد. از این رو بر برپایی فوری و همه جانبه جنبش مجامع عمومی کارگری و سازمان یافتن آن و شکل دادن به شوراها و کارگری و همچنین شوراها و کارگران و مردم زحمتکش و جوانان در محلات از تاکیدات ماست. ما تاکید میکنیم که طبقه کارگر تنها با حریش میتواند پیروز شود. از این رو باید متحد شد. باید در راس اعتراض توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی قرار گرفت. باید تلاش نیروهای جنبشهای ارتجاعی ناسیونالیسم پرو غربی و جنبش ملی. اسلامی را در حقنه کردن آلترناتیوهای ضد کارگری، اسلامی و ناسیونالیستی خنثی کرد. باید اعتماد و باور بخش قابل ملاحظه ای از جامعه به آلترناتیو کارگری و کمونیستی را جلب کرد. حزب ما همه رهبران کارگری و فعالین کمونیست را بمنظور رهبری مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و سازماندهی يك انقلاب عظیم اجتماعی و استقرار حکومت کارگری به صفوف خود فرامیخواند. باید اول ماه را به روزی برای پیشروی مبارزات سرنگونی طلبانه توده های مردم و تخته پرشی برای گسترش اردوی آزادی و برابری و رفاه همگان، اردوی کمونیسم و کارگر، تبدیل کرد.

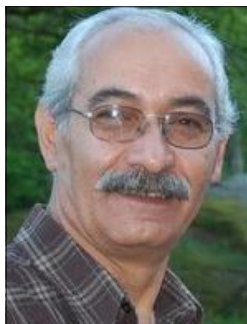
است. اما بخصوص در ایران که مردم یادشان نرفته است چطور روزی همین کارگران نفت و کارگران کارخانه ها، همین معلمان و کارکنان توانیر و مخابرات و شهرداریها و بیمارستانها و غیره با اعتصابات سراسری خود کمر رژیم شاه و حکومت نظامی اش را شکستند، این ایده مانیفست خیلی آشنا و ملموس است. میخوام بگویم که جامعه اینطور به اعتصاب کارگر و معلم نگاه میکند و مانیفست بدقت این روند را از لحاظ تئوریک و سیاسی توضیح داده و مراحل عمومی آنرا برشمرده است. باید به آن رجوع کرد. باز هم اینجا فرصت نیست که به همه جزئیات بپردازیم اما برای آنکه خواننده متقاعد شود که رجوع مجدد به مانیفست کمونیست در بین همه فعالین اعتصابات و اعتراضات اخیر ضروری است به يك نکته مهم قناعت میکنیم. مانیفست علاوه بر اینکه توضیح میدهد چگونه در سیر بالا گرفتن مبارزه طبقاتی بخش های

وسعی از جامعه و حتی بخشی از طبقه حاکم به او می پیوندند جایی دیگر تاکید میکند که طبقه کارگر باید "طبقه ملی" شود و "خود را به ملت ارتقا دهد". و البته اضافه میکند این بهیچ وجه به معنای ملی که بورژوازی می فهمد نیست. بعدها انگلس در ترجمه انگلیسی مانیفست مفهوم طبقه ملی را تدقیق میکند و می نویسد طبقه کارگر باید خود را به "طبقه رهبر ملت" یا رهنمون ملت ارتقا دهد. طبعاً اینجا بحث بر سر لغت نیست بلکه بر سر مفهوم است. اینکه چگونه همین صف طبقاتی که کارگران و معلمان و پرستاران بخش های پیشتاز آن هستند باید از لحاظ سیاسی خود را به مشابه آلترناتیو سیاسی اوضاع، به مشابه نماینده جامعه، جواب به کل اوضاع پیچیده و خطیر ایران که مخاطرات بسیاری در کمین آنست مطرح کنند. این دیگر یک موضوع آرمانی نیست بلکه ضرورت فوری و عملی است. به اوضاع ایران نگاه کنیم، فقط کارگران

و معلمان و پرستاران و توده های عظیم اهالی که از قبل فروش نیروی کار خود زندگی میکنند قادرند کل جامعه را علیه هرگونه تبعیض و نابرابری، از ستم ملی و جنسی و مذهبی گرفته تا علیه منشأ همه اینها در روزگار ما یعنی سرمایه داری بسیج و متشکل کنند و خود و جامعه را نجات دهند. فقط این جنبش است که میتواند بساط آیت الله های میلیاردی و فقر و محرومیت و تفرقه قومی و مذهبی و تهدیدات گوناگون را برچیند. مانیفست کمونیست پرچم چنین جنبشی است. دقیقاً برای همین است که یکی از پرخواننده ترین متون سیاسی تاریخ بشر است. چون علیرغم همه سم پاشی ها و تحریف هایی که علیه آن می شود وقایعی چون اعتصابات و مبارزات اخیر کارگران و معلمان و پرستاران هم درستی اصولی آنرا و هم ضرورت رجوع به آنرا جلوی جامعه میگیرد!

هدف از جعل تاریخ حزب کمونیست ایران چیست؟

عبدل گلپریان



در به حراج گذاشتن يك تاريخ غير قابل انكار پيش رفته است.

ابراهيم گلپزان در توضيح پروسه و زمينه هاي شكل گيري حزب كمونيست ايران، آن را به مقطع "كنفرانس وحدت" ربط داده و همچنين شركت كنفرانس وحدتي ها را بعنوان يك پاي تشكيل حزب كمونيست ايران توضيح ميدهد. به دانشجويان دانشگاه سلیمانيه بايد بگويم اينطور نيست و "كنفرانس وحدت" كوچكترين ربطی به تشكيل حزب كمونيست ايران ندارد و صحبت ابراهيم گلپزان در مورد شكل گيري حزب كمونيست ايران و در رابطه با "كنفرانس وحدت" تماما نادرست و غير واقعي است.

برای اطلاع دانشجويان علوم سياسي دانشگاه سلیمانيه بايد بگويم: "كنفرانس وحدت" در آوريل سال ۱۹۷۹ توسط طيفي از سازمانهاي سياسي چپ پوپوليستي كه فاقد تئوري ماركسيستي و فاقد افق و برنامه بودند تشكيل شد كه حتي آزمون توجه هيچ نيروي سياسي جدي و مطرحي را هم بسوي خود جلب نكرد. از بي خاصيتي و بي اثری اين كنفرانس تا كنگره دوم كومه له در آوريل ۱۹۸۱ درست ۲ سال و تا تشكيل حزب كمونيست ايران، از آوريل ۷۹ تا اوت ۸۳ مدت چهار سال و ۴ ماه زمان وجود دارد كه اين مدت زمان مصادف بوده است با بزرگترين، مهمترين و سرنوشت سازترين تحولات سياسي، انقلابي و اجتماعي در مقطع انقلاب ۱۹۷۹ و همچنين تحولات زير و كننده اي كه كومه له هم بي تاثير از آنها نبود. وقتيكه ابراهيم گلپزان ميگويد: "نمايندگان كنفرانس وحدت با كومه له دور هم جمع شدند و در "كنگره موسس حزب كمونيست ايران"، حزب كمونيست ايران را تشكيل دادند"، هر شاهد زنده اي در آن دوران انگشت به دهان از خود مي پرسد چه عامل و چه منفعتي سبب شده است كه ابراهيم گلپزان تا به اين حد در چشم سازندگان آن تاريخ و در چشم دانشجويان دانشگاه سلیمانيه خاك

ابراهيم گلپزان در اين جلسه ميكوشد نقش سازمان و شخصيتهاي مطرح در تشكيل حزب كمونيست ايران كه در تشكيل حزب نقش اصلي و محوري را داشتند در روز روشن و در مقابل چشم بسياري از كمونيستها، آگاهانه و به عمد خط بزنند. و براي اين كار آشكارا دست به جعل تاريخ ميزند و فاكورهاي را وارد اين تاريخ ميكنند كه بسيار عجيب و باور نكردي است. شخصا نميدانم ايشان با چنين تحريقاتي چگونه ميخواهد در مقابل منتقدين گفته هايش، در مقابل كوهي از سئوالات كه در صفوف حتي سازمان متبوع خودش بسوي او سرازير خواهد شد در چشم آنان نگاه كند. آيا گلپزان به اين فكر نكرده است كه اعضا و كادرهاي كومه له و همچنين دانشجويان علوم سياسي سلیمانيه با مطالعه اسناد و آثار پروسه تشكيل حزب كمونيست ايران كه به زبانهاي عربي، كردي، انگليسي به وفور در دسترس است، او را نماينده و سخنگوي جعليات تاريخ پلكوره قلمداد خواهند كرد؟ بافتن چنين جعلياتي از تاريخ بي گمان هزينه بسيار سنگين سياسي و اجتماعي براي ايشان و سازمانش در بر خواهد داشت. منصور حكمت بعنوان سازنده اصلي حزب كمونيست ايران بسيار پيش از اينها و در مقطع جنگ خليج و پايان جهان دو قطبي، چنين عاقبتی را براي بازماندگان در حزب كمونيست ايران بروشنی پيش بيني کرده بود. در مقطع بحران خليج ديديم كه چگونه گرايشات ناسيوناليستي درون كومه له بلافاصله فيلشان ياد هندوستان كرد و انتر باب نالازم بودن حزب كمونيست ايران وفاداری خود را به "دوستان حال و آينده" در جنبش ناسيوناليسم كرد اعلام کرده بودند. اينكه امروز ابراهيم گلپزان به ياد تحريف تاريخچه حزب كمونيست ايران نشسته است، گوي عقب افتاده است و بايد كاري كند كه از قافله آنان عقب نماند. اين كار او بدون شك دلايل مادي، زميني و معيني دارد كه بنا به مصلحت امروز سازمانش تا اين درجه

اخيرا ابراهيم گلپزان دبيرانل كومه له جلسه اي با حضور دانشجويان رشته علوم سياسي در شهر سلیمانيه پيرامون تاريخچه چپ و گرايشات مذهبي و ليبرال، روند مناسبات حاكم بر جامعه ايران و بطور مشخص تر پروسه تشكيل حزب كمونيست ايران برگزار کرده است. ابراهيم گلپزان در سخنانش خطاب به شركت كنندگان در اين جلسه به مسايل متعددي چون پروسه شكل گيري گرايشات اجتماعي، روند رشد مناسبات توليدي از قبل از مشروطيت تا انقلاب ۱۹۷۹ و بعد از آن، اشاره دارد كه مورد بحث اين نوشته نيست. اما در بخش توضيح بر سر تشكيل حزب كمونيست ايران، ابراهيم گلپزان به نگاه دست به تحريف پروسه شكل گيري و تاريخ تشكيل حزب كمونيست ايران ميزند. همين جنبه از مسئله مرا بر آن داشت كه در رد و نقد گفته هاي او به نكاتي اشاره كنم.

برای من و صدها انقلابي كمونيست ديگر، پذيرش انكار، تحريف و پا روی حقيقت گذاشتن تاريخ دوره معيني از سوي هر شخصيتي، كار چندان ساده اي نيست چرا كه اين تاريخ متعلق به بخش عظيمي از كمونيستها و چپ جامعه ايران است و كسي نمیتواند آنرا فدای منافع و مصلحت امروز خویش كند. گام گذاشتن در مسير انكار و تحريف، معنایی جز پرت شدن و در حاشيه افتادن از دنياي سياست نخواهد داشت و سرنوشت شكست خورده تري از منشعبين از كومه له در انتظارشان خواهد بود. گوش دادن به سخنان غير واقعي و مغاير با تاريخ حزب كمونيست ايران از سوي ابراهيم گلپزان دبیر اول كومه له آنهم به شكل بسيار نازل آن، دور از انتظار بود. به اين خاطر و بسهم خود بعنوان كسي كه از ابتدای تشكيل حزب كمونيست ايران عضو اين حزب بوده و قبل از تشكيل حزب كمونيست ايران نيز در ارتباط با كومه له فعاليت داشته ام لازم ديديم اين بخش از تحريفات ابراهيم گلپزان را پاسخ دهم.

كنگره دوم كومه له آنرا بعنوان جهت گيري و افق فعاليت خود پذيرفته بود كاملا در تقابل با نظرات سازمانهاي موسوم به خط ۳ و ديگر سازمانهاي قرار داشت كه "كنفرانس وحدت" را تشكيل داده بودند. علاوه بر اين، كنگره دوم كومه له قرار و مصوبه هاي در تقدير از سازمان اتحاد مبارزان كمونيست از خود برجای گذاشت.

ابراهيم گلپزان كنفرانس وحدت را پيش ميگردد كه از نقش يك سازمان و شخصيت تعيين كننده در تشكيل حزب كمونيست ايران اسم نبرد. در آن مقطع سازماني به نام اتحاد مبارزان كمونيست با اتكا به نظرات روشن و عميق ماركسيستي بسرعت در ميان چپ ايران در حال رشد بود. پوپوليسم را عميقا به نقد ميگشيد و جناح چپ بسياري از سازمانهاي كمونيست آن دوره از جمله كومه له را به تئوري ها و ديدهاهاي خود جذب ميكرد. نوشته هاي عميق منصور حكمت رهبر اتحاد مبارزان كمونيست در نقد پوپوليسم در ميان سازمانهاي سياسي بسرعت جا باز ميكرد و كادرهاي كومه له نيز بسرعت به آن روی آوردند و اين تئوري ها را راهگشای فعاليت خود دانستند در چنين شرايطي در سالهاي ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ بتدريج ارتباط و نزديكي بين كومه له و اتحاد مبارزان كمونيست برقرار شد كه تقريبا به مدت دو سال اين رابطه نزديك و نزديكتر شد كه در سال ۱۹۸۳ منجر به تشكيل حزب كمونيست ايران شد. دو سال قبل از تشكيل حزب من در تشكيلات كومه له در تهران فعاليت داشتم و بنا به موقعيت شغلي ام كه بخشي از آن مربوط به سازماندهي و ايجاد امكان براي رفت و آمد و ملاقاتهاي رفقای اتحاد مبارزان كمونيست با رهبري وقت كومه له به كردستان و بالعكس بود و همچنين پروسه فراهم شدن مقدمات نزديكي كومه له و اتحاد مبارزان به همدگر در جريان بود، مطلع بودم.

تشكيل حزب كمونيست ايران كه در سال ۱۹۸۳ اتفاق افتاد، تا آن مقطع و بدون اتحاد مبارزان كمونيست و منصور حكمت، عملا براي كومه له غير ممكن بود. حزب كمونيست ايران از نظر تئوريك و برنامه اي محصول ماركسيسم انقلابي و نقد پوپوليسم بود كه توسط اتحاد مبارزان كمونيست با موقعيت به سرانجام رسیده بود. قدم

هدف از جعل تاریخ ...

از صفحه ۸

برداشتن عملی در جهت تشکیل حزب کمونیست نیازمند نظرات و تئوری روشن مارکسیستی بود. و همانطور که بالاتر اشاره کردم در کنگره دوم کومه له بود که پرچم مارکسیسم انقلابی در کومه له برافراشته شد. این امر با کمک فکری و نظری اتحاد مبارزان کمونیست و منصور حکمت فراهم شد و راه را هموار کرد تا موانع فکری و نظری کومه له را در جهت قدم برداشتن برای تشکیل حزب از سر راهش بردارد. از مهمترین جنبه های هموار کردن مسیر برای تشکیل حزب کمونیست ایران که ابراهیم علیزاده به آن اشاره ای نمیکند پیش نویس برنامه حزب کمونیست است که بر اساس برنامه اتحاد مبارزان کمونیست و بوسیله منصور حکمت نوشته شد. علاوه بر پیش نویس برنامه حزب، پیش نویس اساسنامه حزب نیز بوسیله منصور حکمت نوشته شد. هم برنامه و هم اساسنامه در کنگره موسس حزب کمونیست ایران به تصویب رسید. تشکیل سمینار مقدماتی تدارک حزب که به "کنفرانس شمال" معروف است اساسا برای رفع موانع بر سر راه تشکیل حزب برگزار شد که یکی از بحثهای مهم این سمینار نقد "تئوری پیوند" بود. تئورهای نقد تئوری پیوند را هم منصور حکمت در این کنفرانس ارائه داد. توضیح دهنده این تئورها در کنفرانس شمال نیز حمید تقوایی بود. برای اطلاع دانشجویان دانشگاه سلیمانیه باید بگویم، که متن تئورهای منصور حکمت و سخنرانی حمید تقوایی در توضیح آنها در نشریه "بسوی سوسیالیسم ۶"، ارگان تئوریک سیاسی اتحاد مبارزان کمونیست بتاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۶۲ یعنی حدودا ۲۰ روز قبل از اعلام تشکیل حزب کمونیست ایران بوسیله انتشارات کومه له در کردستان چاپ شد. این اسناد غیر قابل انکار و غیر قابل تحریف هستند. به لحاظ نظری هم، مقاله "جنبش دهقانی پس از حل امپریالیستی مسئله ارضی" و نوشته تئوریک و ماندگار منصور حکمت با عنوان "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" نقش مهم و تعیین کننده ای در کنار زدن دیدگاه یک و همان خط نیمه فئودال نیمه مستعمره در درون کومه له داشت. نکاتی را که

تیتروار و مختصر اشاره کردم تنها بخش کوچکی از نقش اتحاد مبارزان کمونیست، منصور حکمت و دیگر کادرهای رهبری این سازمان بر وضعیت کومه له برای برون رفت از بی بضاعتی نظری و تئوریک این سازمان در جهت قدم گذاشتن در مسیر تشکیل حزب کمونیست ایران بود.

بدنبال تشکیل حزب کمونیست ایران است که سازمان کردستان این حزب یعنی کومه له بر اساس خط سیاسی، تاکتیک نظامی و فعالیتهای همه جانبه کومه له در کردستان و علیرغم موانعی که گرایش ناسیونالیستی در درون کومه له ایجاد میکرد، کومه له منطبق با جهت گیری سیاسی و خط فکری و نظری منصور حکمت فعالیت میکند. با تشکیل این حزب بود که کمونیست های ایران صاحب حزب شدند و امید و افقی پیدا کردند آنهم در شرایطی که یکی از بزرگترین قتل عام های سیاسی توسط جمهوری اسلامی برافراشته بود و هزاران کمونیست به جوخه اعدام سپرده میشدند و سازمان های سیاسی یکی پس از دیگری در هم شکسته میشدند. با تشکیل حزب کمونیست ایران خوشبینی بر صفوف کمونیسم حاکم شد و کومه له سرعت دوران شکوفایی خود را شروع کرد. سازمانی که از نظر تئوریک و مواضع سیاسی کاملا بی افق شده بود با این تحول مسیر رشد و استحکام را در پیش گرفت و طی مدت کوتاهی به سازمانی محبوب، با اتوریته و معتبر تبدیل شد. ابراهیم علیزاده در بخش دیگری از سخنانش به اعتبار و اتوریته کومه له اشاره میکند و می گوید: "چرا امروز هر جمعی از کومه له جدا میشود اسم "کومه له" را بر خود میگذارند". دلیل این امر را باید در اتوریته و اعتبار سیاسی و افقی که کومه له بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران تا مقطع جدایی حزب کمونیست کارگری داشت دید. تاریخ درخشان، اعتبار و اتوریته کومه له به فاصله زمانی دوران تشکیل حزب کمونیست ایران تا مقطع جنگ خلیج برمیگردد. تا جاییکه در دوران انشعابات در درون کومه له هر بخش انشعابی حاضر بود که فقط برای گذاشتن این نام بر روی خود دست به جنگ علیه دیگری بزند. گفتن از تاریخ یک دهه از فعالیت کومه له (از مقطع تشکیل حزب ۱۹۸۳ تا جنگ خلیج در سال ۱۹۹۰ ادعا نیست بلکه تاریخ

پراتیک کمونیستی، واقعی و ثبت شده ای است که آثار و ادبیات آن دوران شاید هم اکنون در کتابخانه های اردوگاههای کومه له قابل دسترسی باشد.

ابراهیم علیزاده بنا به همان سیاست مصلحت جویانه امروزش و در جهت تکمیل تحریف تاریخ حزب، دلایل جدایی گرایش کمونیسم کارگری درون حزب را که ۷۰ درصد از اعضا و کادرهای حزب کمونیست ایران را در بر میگرفت، بر بستر اختلافات نظری توضیح میدهد. اما توضیحات او در این زمینه نیز انحرافی است.

دلایل جدایی از حزب کمونیست ایران و تشکیل حزب کمونیست کارگری قطعاً بحث مفصلتری را می طلبد. کتاب "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق" در ۳۰۳ صفحه شامل مباحث، اسناد و قطعه نامه هایی است که علل این جدایی را بیان میکند و من اینجا وارد آن نمیشوم. به دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه سلیمانیه توصیه میکنم، در این خصوص نیز برای اینکه سخنان غیر معتبر ابراهیم علیزاده را متوجه شوند، تلاش کنند تاریخ آنوره را، آثار و ادبیات آنرا، چگونگی تشکیل حزب کمونیست ایران را که بسیاری از این آثار خوشبختانه به زبان کردی ترجمه شده است مطالعه کنند. در مورد جدایی از حزب کمونیست ایران نیز همانطور که اشاره کردم "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق" که حاوی اسناد واقعی و معتبر از مباحث آن دوران، دیدگاههای منصور حکمت که مقالات، جلسات و بحثهایش بر بستر بزرگترین تحول سیاسی در جهان دو قطبی در آن یخویی توضیح داده شده است را مطالعه کنند. نه تنها این بلکه در همین اسناد در کتاب "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق" که در دسترس وجود دارد، مواضع و اظهارات ابراهیم علیزاده و مدافعین گرایش ناسیونالیستی آن ایام در درون کومه له موجود است به آن مراجعه کنند و اجازه ندهند هیچکس تحت هیچ عنوانی تاریخ شفاف و درخشان کمونیسم، مارکسیسم انقلابی و پروسه شکل گیری مهمترین حزب کمونیستی تاریخ آن دوره ایران را به جنبش ملی کرد بفروشد و تاریخ چگونگی تشکیل یک حزب، نیروهای موثر و تعیین کننده در آن و بسیاری از کمونیستها، چه آنانی که در قید حیات نیستند و چه آنهایی که هم اکنون زنده هستند را

تحریف کند.

اگر ابراهیم علیزاده نقش تعیین کننده اتحاد مبارزان کمونیست و منصور حکمت را انکار و تحریف میکند تنها بخاطر مقبولیت بخشیدن به موقعیت فکری و سیاسی خود و سازمانش در پیشگاه ناسیونالیسم کرد است که دست به حراج این تاریخ زده است. بدون شک این تحریفات از سوی هر انسان آزاده و کمونیست مورد نقد و شمت قرار میگردد. انواع سازمانهای کنونی موسوم به کومه له که بر بستر تاریخ درخشان یک دهه، اعتبار، اتوریته و محبوبیتی که بر بستر کار کمونیستی برای این نام بوجود آورده

بود، در مقطع جنگ خلیج همگی فیلشان یاد هندوستان کرد و تعلق خود را به "جنبش کردایتی" نشان دادند. اما فشار چپ باقیمانده در سازمان ابراهیم علیزاده گویا این تغییر شیفت را برای ایشان با تاخیر مواجه کرده است. تحریف تاریخ در فضای کنونی خانواده ناسیونالیسم کرد در منطقه قابل درک است اما دانشجویان و نسل جدید چپی که در شهرهای کردستان عراق و در دانشگاههایی چون علوم سیاسی با ولع تمام بدنبال کمونیسم و چپ اجتماعی هستند بی گمان در نقد اینگونه سمینارها و در نقد تحریف تاریخ، خواهند گفت و خواهند نوشت.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تجمع و تظاهرات در کشورهای مختلف علیه اعدام‌های گسترده در ایران!

۲۵ آوریل روز جهانی علیه اعدام‌ها در ایران



تهران - اسلو



امستردام - هلند



سوئد - گوتنبرگ



کانادا - تورنتو



سوئد - مالمو



کمیته بین‌المللی علیه اعدام

اعتراضات و تجمعات و تظاهرات جهانی در حالی صورت می‌گیرد که مجامع بین‌المللی و دولت‌ها در رابطه با اعدام‌های گسترده در ایران سکوت کرده‌اند.

مینا احدی دبیر کمیته بین‌المللی علیه اعدام در بخشی از سخنرانی خود در کلن آلمان گفت: "من از طرف کمیته بین‌المللی علیه اعدام اعلام می‌کنم که ۹۸ نفر در زندان‌های ایران اعدام شدند و هر روز آمار اعدام‌ها در ایران رو به افزایش است و هر روز ۱۰ نفر اعدام می‌شوند؛ نکته مهم این است که در رابطه با این اعدام‌ها در سطح بین‌المللی سکوت کامل وجود دارد: مینا احدی در ادامه می‌گوید: "ما از اتحادیه اروپا و دولت آلمان درخواست ملاقات کرده‌ایم، اما در پاسخ گفته‌اند به دلیل اینکه در حال مذاکره با جمهوری اسلامی هستیم ما نمی‌خواهیم به این اعدام‌ها اعتراض کنیم. پس ما وظیفه داریم به اعتراضات متحدانه خود علیه اعدام‌ها ادامه دهیم."

اعدام‌های اخیر در ایران عمدتاً از متهمین مواد مخدر بودند که به جرائم پخش و قاچاق مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند. در ایران بیشترین آمار محکومین به اعدام را متهمین مواد مخدر تشکیل می‌دهند به صورتی که بیش از ۴۰۰۰ زندانی در سه زندان قزل‌حصار، رجایی شهر و ندامتگاه مرکزی در انتظار اجرای حکم اعدام هستند.

محکومین به اعدام و خانواده‌های آنان انتظار دارند که با گسترش یافتن این اعتراضات جلوی این چرخه وحشتناک اعدام‌ها در ایران گرفته شود.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام برگزاری روز جهانی علیه اعدام در ایران را یک موفقیت در فعالیت علیه اعدام در ایران می‌داند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۲۶ آوریل ۲۰۱۵، اردیبهشت ۱۳۹۴

سویالیست کارگری افغانستان سخنرانی کرد.

نروژ

در اسلو تجمع مشترک سازمان‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران در مقابل سفارت ایران برگزار شد و سخنرانان خواهان پایان یافتن اعدام‌ها در ایران شدند.

فنلاند:

در شهر هلسینکی فنلاند تجمع اعتراضی مشترک در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برپا شد و سخنرانان اعدام‌های گسترده در ایران بعد از توافق لوزان را محکوم کرده و خواهان اقدامات گسترده‌تر علیه اعدام‌ها در ایران شدند.

کانادا:

در شهر تورنتو تجمع مشترک احزاب سیاسی مخالف جمهوری اسلامی و کمیته بین‌المللی علیه اعدام، برگزار شد و در سخنرانی‌های این تجمع، همگان بر ادامه دادن به اعتراضات و افشاگری بین‌المللی علیه اعدام‌ها تأکید کردند.

در دانمارک و استرالیا نیز تظاهرات علیه اعدام برپا شد و شرکت کنندگان به موج شدید اعدام‌ها در ایران معترض بودند.

قبل از برگزاری تجمع و تظاهرات یک هفته برنامه‌های فشرده افشاگری و پخش خبر این اعدام‌ها در دستور کار این احزاب و سازمان‌ها بود.

چندین برنامه تلویزیونی به صورت پخش زنده در مورد این اعدام‌ها و بحث و گفتگو با مردم، مصاحبه‌های متعدد با فعالین و دست‌اندرکاران این حرکت و همچنین جلب توجه رسانه‌های فارسی زبان به این موضوع باعث شد خبر این اعتراضات به وسعت در ایران پخش بشود و با چاپ چندین مطلب به زبان انگلیسی در رسانه‌های انگلیسی و یا آلمانی زبان تا حدودی خبر این اعدام‌ها به گوش مردم دیگر نقاط دنیا رسید.

در کشورهای مختلف احزاب، سازمان‌ها، فعالین سیاسی و نهادهای علیه اعدام در مقابل سفارت‌های جمهوری اسلامی و مراکز شهرها دست به تظاهرات و تجمع زدند.

به گزارش کمیته بین‌المللی علیه اعدام روز ۲۵ آوریل ۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ که به عنوان روز جهانی علیه اعدام‌ها در ایران اعلام شده بود تظاهرات و تجمعات گسترده‌ای در مراکز شهرها و مقابل سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت.

اعلام روز جهانی اعتراض به اعدام‌ها در ایران از سوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام، حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، حزب کمونیست ایران، هسته اقلیت و همچنین احزاب و سازمان‌های دیگر حقوق بشری و مخالف جمهوری اسلامی اعلام شده بود. کشورهای سوئد، آلمان، نروژ، دانمارک، فنلاند، استرالیا، کانادا و چندین کشور دیگر در این روز شاهد تجمعات و تظاهرات، علیه اعدام‌ها در ایران بودند.

سوئد:

برای سازمان‌دهی تجمع در شهر استکهلم مردم و نمایندگان از سوی احزاب و سازمان‌های متعدد حضور پیدا کردند و در روز ۲۵ آوریل تظاهرات باشکوهی برپا شد که در آن نمایندگان پارلمان و همچنین نمایندگان احزاب و سازمان‌های سیاسی سخنرانی کرده و اعدام‌ها در ایران را محکوم کردند.

در شهر گوتنبرگ و مالمو نیز به همین مناسبت تجمع‌های بزرگی علیه موج گسترده اعدام‌ها در ایران برپا شد.

آلمان:

در کشور آلمان دو تجمع در شهر فرانکفورت و کلن برگزار شد. در شهر کلن نمایندگان این احزاب و همچنین نماینده‌ای از حزب

جدال بر سر اول مه، روز جهانی کارگر



دارند.

در تهران جمع هایی از کارگران ایران تایلر، کیان تایلر و قند ورامین به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه دارند و برای روز دهم اردیبهشت در مقابل وزارت کار فراخوان دادند.

کانون صنفی معلمان برای ساعت ۹ صبح روز ۱۱ اردیبهشت فراخوان به تجمع در پارک پردیسان را دادند.

روز ۱۱ اردیبهشت تظاهراتی که از سوی خانه کارگر در میدان فلسطین فراخوان داده شده بود، را با شعار کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، و خواست پر شدن فاصله خط فقر و سطح دستمزدها و هو کردن محبوب و به هم زدن سخنرانی اش و شعار نیروی انتظامی خجالت، خجالت، را بر هم زدند و آثرا به میدان اعتراض خود تبدیل کردند.

در سنج، رژیم اسلامی شهر را به حالت کاملاً نظامی در آورده است، اما تلاش برای برگزاری اول مه در جریان است. در سقز و مریوان نیز وضع از همین قرار است.

بیانیه کارگران شیراز برای شرکت در تجمع روز پنجمین جلوه استانداری

جمعی از کارگران شرکتها و کارخانههای مختلف شهر شیراز طی بیانیه ای به مناسبت روز جهانی کارگر، عموم کارگران را به همراه خانواده هایشان به تجمع در مقابل استانداری این شهر در ساعت ده صبح روز ۱۰ اردیبهشت فراخوانند. در بخشی از این بیانیه آمده است: "روز جهانی کارگر روزی است که مبشر رسیدن کارگران به حقوق حقه خود می باشد. ما کارگران کارخانههای ایران حمایت خود را از برگزاری این روز اعلام می داریم. ما کارگران چیزی برای از دست دادن نداریم، در شرایطی که تمامی کارگران بدون استثنا زیر خطر فقر قرار داریم و روزانه تلاش می کنیم که تنها زنده بمانیم. هستند کسانی که

اول مه رفتند. هفت تشکل کارگری اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای کارگران نیشکر هفته تپه، سندیکای کارگران نقاش استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری در اقدامی بسیار مهم قطعنامه ای در ۱۷ بند به مناسبت اول مه انتشار دادند و در این قطعنامه ضمن تاکید برخواستهای فوری کارگران از جمله افزایش دستمزد حداقل سه میلیون تومان، آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و محکوم کردن سرکوب ها، لغو مجازات اعدام، برابری زن و مرد، تعطیل رسمی روز جهانی کارگر و خواست های مهم دیگر، همبستگی خود را با مبارزات معلمان، پرستاران و ... اعلام داشتند. این قطعنامه در برنامه ای که دانشجویان دانشکده علوم سیاسی در دانشگاه تهران به مناسبت اول مه روز جهانی داشتند، قرائت شد.

همچنین قطعنامه دیگری به امضای انجمن صنفی معلمان مریوان، انجمن صنفی کارگران خبازی های مریوان و سروآباد و انجمن صنفی کارگران خبازی های سنج و حومه انتشار یافت که بر خواستههای مشابهی چون قطعنامه هفت تشکل کارگری تاکید داشت.

در عین حال امسال جنب و جوش برای برگزاری روز جهانی کارگر وسیع بود. کارگران و امسال در کنار آنان معلمان به تدارک برگزاری روز جهانی کارگر رفتند. در تهران در هشتم اردیبهشت کارگران با برگزاری تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی به استقبال این روز رفتند. در نهم اردیبهشت کارگران سندیکای شرکت واحد مراسمی در پایانه اتوبوسرانی آزادی برپا کردند. کارگران نیشکر هفت تپه برای روز جهانی کارگر قرار تجمع در مقابل اداره کار این شهر را گذاشته اند و جمعی دیگر از کارگران و جوانان بیکار شهر قرار تجمع برای ساعت ۹ صبح ۱۱ اردیبهشت در مقابل شرکت شهید رجایی (شل سابق) را

شده کارگری، ابراهیم مددی و داود رضوی از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد و عثمان اسماعیلی عضو کمیته دفاع از فعالین کارگری مهباد دستگیر شدند و در روز ۹ اردیبهشت جعفر عظیم زاده از رهبران طومار اعتراضی ۴۰ هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزدها، احضار شد و ۵ ساعت تمام زیر بازجویی قرار گرفت که چرا اتحادیه آزاد در روز ۸ اردیبهشت به استقبال روز جهانی کارگر رفته است. همچنین در همین روز پلرام نصراللهی یکی از فعالین کارگری سرشناس در شهر سنج دستگیر و به مکان نامعلومی انتقال یافت. و اوایل صبح این روز چند تن از ماموران امنیتی منزل رضا خندان (مهبادی) نویسنده، منتقد ادبی و عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران را تفتیش کردند، سپس دست نوشته ها، آرشیوهای گوناگون، هارد کامپیوتر، گوشی موبایل و ... او را ضبط کرده و با خود بردند. بعد هم طبق برگه احضاریه که ماموران به رضا خندان تحویل دادند، از او خواسته شده روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" برای بازجویی به ساختمان مرکزی وزارت اطلاعات مراجعه کند.

در همین راستا برنامه های هفته کارگر دولت که هر سال برگزار میشود تا روز جهانی کارگر را مخلوش کنند و به حاشیه ببرند، را اعلام کردند. این برنامه ها از رفتن به مزار خمینی تا دیدار با خامنه ای و برپایی مراسم دولتی در ورزشگاه آزادی را در بر داشت. در برنامه هایشان ناگزیر شدند، از کارگر و درد بیکاری و هزار درد دیگر حرف بزنند، آخر سر هم با گفتن اینکه لغو تحریم ها فقط یک کاغذ پاره نیست، بلکه بهبودهایی در کار است، بر اقتصاد مقاومتی و سیاست های ریاضت اقتصادی شان تاکید گذاشتند و کارگران را به انتظار برای بهبود اوضاع فراخوانند.

اما در مقابل این هراسها و این تکاپوها، کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و ... با اعتراضات گسترده شان به استقبال

شهلا دانشفر

اول مه، روز جهانی کارگر امسال در شرایطی برگزار میشود که اعتراضات کارگری هر روز گسترده تر میشود و جنبشی اجتماعی بر سر خواست افزایش دستمزدها و در دفاع معیشت در جریان است. در اول مه امسال بیش از هر سال ما شاهد اتحاد طبقاتی کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بخش عظیمی از حقوق بگیران جامعه و صف ۹۹ درصدی ها هستیم. از سوی دیگر اول مه امسال در شرایطی برگزار میشود، که جمهوری اسلامی در وحشت از فضای انفجاری جامعه ناگزیر به نوشیدن جام زهر شده و به پای توافق با غرب و آمریکا رفته است و برای تخفیف تناقضات سیاسی اش و سد کردن مبارزات مردم که با جنبش هایشان و با خواستههایشان دارند به جلو می آیند، تلاش میکند با سرکوب و اعدام و گذاشتن فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری جلوی چنین برآمدی بایستند.

همانطور که در نوشته قبلی نیز اشاره داشتم اول مه امسال در دل تحولات سیاسی مهمی و در اوضاع سیاسی متفاوتی نسبت به هر سال برگزار میشود. این ویژگی منشاء جدالی سخت بر سر این روز شده است. از یکسو رژیم اسلامی از وحشت به راه افتادن مارش بزرگ اعتراضی کارگران، آنهم در فضایی که هر روزه هزاران کارگر در کارخانجات مختلف در اعتراضند و اعتصابات سراسری معلمان، فضای جدیدی از اعتراض و مبارزه در کل جامعه ایجاد کرده است، دست به دستگیری های جدیدی زده و هر کجا که از برگزاری این روز خبری به گوش میرسد فعالین و رهبران کارگری را مورد تهدید و فشار قرار داده و با احضار آنان کوشید تا جلوی این تحرکات را بگیرد. از جمله در همین مدت در شهر سنج، این شهر اول ماه مه ها، در همین دو ماه اخیر بیش از ده فعال کارگری دستگیر و احضار شده اند. بعلاوه تنها در روز هشت اردیبهشت ۴ نفر از رهبران و فعالین کارگری محمود صالحی از رهبران شناخته



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wcpiran.org

از میان اطلاعیه های کمپین برای آزادی کارگران زندانی

اطلاعیه شماره ۲۲۷: پدram نصراللهی از فعالین کارگری سرشناس در سندانج، دستگیر شد

اطلاعیه ۲۲۲: محمود صالحی از رهبران شناخته شده کارگری دستگیر شد



روز ۹ اردیبهشت، دو روز مانده به روز جهانی کارگر پدram نصراللهی (نه به ز) از فعالین کارگری سرشناس در شهر سندانج و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، دستگیر شد. دستگیری و احضار کارگران در آستانه اول مه، روز جهانی کارگر نشانه وحشت حکومت اسلامی از این روز بزرگ اعتراضی است.

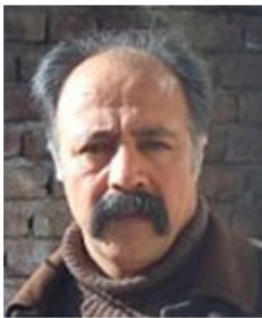


این دستگیر، محمود صالحی در منزل تنها بوده و بعد از بازداشت تماسی با خانواده نداشته است.

محمود صالحی نامی آشنا برای همه است. او یک فعال کارگری است که سالیهای طولانی از عمرش را بخاطر دفاع از حقوق کارگران در زندانهای رژیم اسلامی گذرانده است. محمود صالحی باید فوراً آزاد شود.

امروز هشت اردیبهشت و در آستانه روز جهانی کارگر، محمود صالحی از رهبران شناخته شده کارگری در شهر سقز دستگیر شد. بنا بر خبر ساعت ۶ عصر امروز ماموران اطلاعات حکومت اسلامی با حکم بازداشت محمود صالحی به منزل او رفته و بعد از تفتیش منزل و ضبط کامپیوتر و یکسر وسایلهش او را با خود به اطلاعات میبرند. هنگام وقوع

اطلاعیه شماره ۲۲۸: شیث امانی از فعالین کارگری شناخته شده در شهر سندانج احضار شد



بعد از ظهر روز ۱۰ اردیبهشت شیث امانی از فعالین سرشناس در شهر سندانج و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران احضار و بیش از ۵ ساعت مورد بازجویی قرار گرفت. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران در این بازجویی مامورین امنیتی با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد و تجمعاتی که توسط آن برگزار میشود، سعی کردند شیث امانی را از تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر و شرکت در آن برحذر کنند.



اطلاعیه شماره ۲۲۳: ابراهیم مددی و داود رضوی دو تن از رهبران سندیکای شرکت واحد دستگیر شدند

توسط مامورین اطلاعات دستگیر شدند.

یک شعار مهم ما در اول مه، روز جهانی کارگر، آزادی بدون قید شرط همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. این شعار را بر روی بنر هایمان درشت بنویسیم و با در دست گرفتن عکس کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، مارش اول مه را به مارش اعتراضی علیه سرکوبگری های حکومت اسلامی تبدیل کنیم.

جمهوری اسلامی از فرا رسیدن اول مه، روز جهانی کارگر به هراس افتاده است و امروز ۸ اردیبهشت دو نفر دیگر از رهبران و فعالین کارگری توسط سرکوبگران حکومت اسلامی دستگیر شدند. بنا بر خبر امروز ابراهیم مددی و داود رضوی دو تن از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد که قصد داشتند فردا ۹ اردیبهشت در پایانه های شرکت واحد بین کارگران و رانندگان شرکت واحد شیرینی و شکلات پخش کنند،



اطلاعیه شماره ۲۲۹: حامد نباتی و علی حسینی دو فعال کارگری در سقز بازداشت و بعد از دو ساعت بازجویی و تهدید آزاد شدند

محمود صالحی به اطلاعات سندانج منتقل شده است

صبح روز ۱۰ اردیبهشت حکومت اسلامی حامد نباتی و علی حسینی دو فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در سقز را دستگیر و آنها را پس از ۲ ساعت بازجویی و تهدید به عدم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر آزاد کرد.



در روز ۸ اردیبهشت نیز محمود صالحی یکی از چهره های شناخته شده در شهر سقز دستگیر و به اطلاعات شهر سندانج منتقل شد. بنا بر خبرها پرونده محمود صالحی در دست اطلاعات تهران است و حکم بازداشت وی نیز از آنجا صادر شده است.



اطلاعیه شماره ۲۲۴: عثمان اسماعیلی یکی از فعالین کارگری مهاباد بازداشت شد

است. او در حالیکه در ساختمانی در این شهر مشغول به کار بوده دستگیر و به مکان نا معلومی منتقل شده است.

خبر دیگر مربوط به دستگیری عثمان اسماعیلی عضو کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد است که در ساعت ۶ همین روز توسط مامورین امنیتی اداره



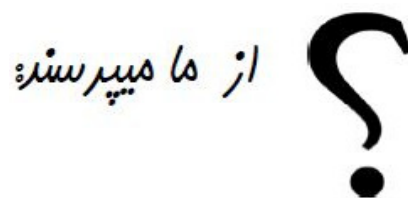
اطلاعیه شماره ۲۲۵ و ۲۲۶: احضار جعفر عظیم زاده

فراخوان سال گذشته اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر و دیگر فعالیتهاش در دادگاه بدوی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، به شش سال زندان محکوم شده است.

جعفر عظیم زاده از رهبران طومار ۴۰ هزار کارگر بر سرخواست افزایش دستمزدها توسط وزارت اطلاعات تهران احضار شد. او بدنبال ۵ ساعت بازجویی آزاد شد. جعفر عظیم زاده همچنین به جرم



ملت، مذهب، وطن پرستی و تمامیت ارضی. آیا اینها بانی و باعث یکپارچگی و اتحاد مردم ساکن یک کشور نیست؟



مصطفی صابر:

نیست. امروز تنها چیزی که میتواند اتحاد مردم، ولو ساکنین یک جغرافیای سیاسی واحد و یا ساکنین کشورهای مختلف را بوجود آورد این است که اتفاقا از خط و خط کشی های ملی و مذهبی کاملا خود را رها کنیم. انسان به صرف انسان بودنش باید محترم باشد و از همه حقوق اجتماعی برخوردار باشد. تنها در یک دولت غیر مذهبی و غیر ملی یعنی دولتی که نماینده حاکمیت مستقیم همه شهروندان برابر و آزاد باشد میتوان اتحاد واقعی مردم را حفظ کرد. چنین اتحادی فارغ از هرگونه ستم ملی و مذهبی و جنسی و فرهنگی و غیره است و اتحاد واقعی انسانها برای یک زندگی بهتر است. دوره رهایی بشر از شر مذهب و ملت و هر هیت تفرقه افکنانه دیگر فرا رسیده است. انسانها میتوانند با حفظ همه فرهنگ ها و سنن متنوع و زیبایی که از گذشته به ارث برده اند بعنوان شهروندان متساوی الحقوق یک جامعه آزاد و برابر بشری در کنار هم زندگی کنند. این دقیقا چیزی است که حزب کمونیست کارگری با تمام قوا برای تحقق آن مبارزه میکند.

نسبت بهم بیزاری و نفرت پیدا میکنند و کار حتی ممکن است به جنگ و خونریزی هم بکشد. این بدون تردید تنها محصول واقعی "ملت و مذهب و وطن پرستی و تمامیت ارضی" است. البته در دوره های اولیه رشد بورژوازی، دوره های دولت - ملت سازی ما شاهد ناسیونالیسمی هستیم که متحد کننده است و حتی جنبه مترقی دارد. یعنی جوامع مقابل سرمایه داری و روستایی را دورهم متحد میکند و به عصر مدرن میاورد. در این دوره بورژوازی چندان به تفرقه نمی اندیشد و برعکس میکوشد اتحاد مردم را بر اساسی حقوق شهروندی و قانون تامین کند. این روند را در قرن هژده و نوزده در اروپا و در سه ربع قرن بیستم در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین می بینیم. اما دوره ما، دوره ای که با عروج نئوکسنرواتیسم شروع شده، ما با دست بالا گرفتن ناسیونالیسم قومی و مذهبی مواجه بوده ایم که هر روز هم رویه رشد است. دیگر میهن پرستی و ملت بر خلاف قرن نوزده و بیست نماینده وحدت و اتحاد مردم برای عبور از یک وضعیت عقب افتاده

بورژوازی ایران است که در منطقه جغرافیایی ایران دست به استثمار طبقه کارگر از هر مذهب و قومیتی میزند. این "اتحاد" یعنی حاکمیت مذهب شیعه اثنی عشری و ناسیونالیسم ایرانی بر سراسر مردمان ساکن این جغرافیا و تحمیل انواع ستم های ملی و مذهبی بر مردمی که خارج از این چهارچوبه قومی و مذهبی تعریف شده اند. یک لحظه خودتان را جای مردمانی بگذارید که تحت ستم ملی و مذهبی هستند. در کردستان، خوزستان، آذربایجان و بلوچستان. تمام این عبارات و شعارهای جمهوری اسلامی متضمن ستم ملی و مذهبی و محرومیت برای مردمانی است که مذهب متفاوت و قومیت و فرهنگ متفاوتی جز مذهب و فرهنگ حکومت دارند. در مقابل این ستم ملی است که ناسیونالیسم قومی و مذهبی هم در بین مردمان تحت ستم فضای فعالیت پیدا میکند و میکوشد خود را بعنوان ناجی و مدافع مردم تحت ستم قلمداد کند و سربازگیری میکند. یعنی مردم واقعی بین دو ارتجاع و دو هویت وارونه دو جور ناسیونالیسم گیر می افتند. از هم جدا میشوند و حتی

پایان دنیای دوقطبی دست بالا گرفت. ما شاهد یک عقبگرد تمام عیار و جنگ های خونین قومی و ملی در جمهوری های سابق اتحاد شوروی بوده ایم از آذربایجان و ارمنستان گرفته تا یوگسلاوی و غیره. این وضعیت که در یک سطح جهانی محصول بورژوازی دوره جهانی سازی و عروج نئولیبرالیسم است متأسفانه همچنان ادامه دارد و آخرین نمونه اش ظهور داعش وحشی در عراق است که داعیه مذهبی و خلافت بر کل مسلمین دارد.

این سوال را در اوضاع امروز ایران قرار دهید باز بهمان جواب بالا میرسید. آیا جز این است که ملت و مذهب و وطن پرستی و تمامیت ارضی دقیقا باعث تفرقه و جدایی بین مردم ساکن جغرافیای سیاسی ایران است؟ البته از نظر جمهوری اسلامی، مذهب و ملت و وطن پرستی و تمامیت ارضی باعث اتحاد است. اما این "اتحاد" لفظ دیگری است برای حاکمیت جمهوری اسلامی و

این روزها و در موارد زیادی عکس این ادعا صحت دارد. یعنی ملت، مذهب، وطن پرستی و تمامیت ارضی باعث تفرقه و اختلاف و حتی جنگ و خونریزی بین مردم ساکن یک کشور است! به اوضاع عراق نگاه کنید، به سوریه، لیبی، یمن، افغانستان، اوکراین و خیلی جاهای دیگر. در همه این مناطق دقیقا دارند بر اساس مذهب و ملت و تحت لوای وطن پرستی و تمامیت ارضی میکشند و کشته میشوند. سر میبرند و به بردگی میگیرند و تجاوز میکنند و مدرسه و بیمارستان و خانه را بر سر هم خراب میکنند. لاقفل در ۳۰ - ۴۰ سال گذشته ما شاهد رویارویی جنبش ها و حرکات ارتجاعی حول مذهب و ملت و قومیت بوده ایم که با دولت ها و جنبش های بهمان درجه ارتجاعی و مدافع تمامیت ارضی و مهن پرستی درگیر شده اند و هردو به جان بشر امروز افتاده اند. این وضعیت بخصوص بعد از سقوط شوروی و

روز جهانی کارگر و کشاکش کارگران و مزدوران جمهوری اسلامی



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

کارگران شعار میدادند "نیروی انتظامی خجالت خجالت" و به راهپیمایی خود ادامه میدادند. خانه کارگر که اوضاع را مناسب نمیدید بر خلاف اعلام قبلی در ساعت یکربع به دوازده تظاهرات را خاتمه یافته شده اعلام کرد. اما تا لحظه ارسال این گزارش جمعیتی چند هزار نفره در خیابان فلسطین و اطراف آن حضور دارند و شعار میدهند. زنده باد اول ماه مه!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۴

مه ۲۰۱۵

انتظامی مانع پیوستن این تجمعات به هم میشد. کارگران و مردم معترض با شعار فاصله خط فقر با دستمزدها باید پر شود، به میدان آمدند، شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد را سر دادند، از خواسته های خود و حق بیمه های اجتماعی سخن گفتند، در برابر شعارهای فاشیستی خانه کارگر حمایت خود را از کارگران افغانستانی اعلام داشتند و به این ترتیب بار دیگر خیابانها را از آن خود کردند.

طبق اخبار رسیده نیروهای امنیتی سرکوبگر جمهوری اسلامی از تجمع انبوه کارگران جلوگیری می کردند و سعی می کردند آنها را متفرق کنند.

امروز اول مه روز جهانی کارگر تظاهرات و راهپیمایی ای در تهران برگزار شد که در آن حدود ۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند. فراخوان این راهپیمایی از جانب خانه کارگر داده شده بود اما شمار بسیاری از کارگران از فرصت استفاده کرده و با شرکت در این راهپیمایی خواستها و شعارهای خود را مطرح کردند. بنا به گزارشها کارگران یکساعت زودتر از آنچه خانه کارگر اعلام کرده بود یعنی از ساعت هشت صبح با حضور سه هزار نفره در خیابان فلسطین مارش خود را شروع کردند و هر لحظه بر شمار تظاهر کنندگان افزوده میشد. اجتماعات در سه ضلع میدان فلسطین در جریان بود و نیروی

**مراسمی از سوی کارگران خباز سنندج در
گرامیداشت روز جهانی کارگر**

۲۲ تن از زندانیان سیاسی زندان مه‌باد با صلور بیانیه‌ای روز جهانی کارگر را گرامی داشتند و این روز را نماد "اتحاد کارگران و ستم‌دیدگان جهان علیه استبداد و نابرابری" اعلام کردند.

به گزارش کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی و به نقل از کانون مدافعان حقوق بشر کردستان، این زندانیان در بیانیه خود نوشته‌اند: "جنبش آزادی و برابری‌خواهی ایران به عنوان عنصری از جنبش جهانی ضد نابرابری در طول يك قرن اخیر در غالب احزاب، سازمان و جریان‌های مختلفی نسبت به آرمان‌های يك می وفادار مانده و در مقابل استبداد شاهنشاهی و بعدها استبداد دینی بعد از انقلاب ۶۷، مقاومت نموده و هزینه‌های را متحمل شده‌است."

نسخه کامل متن بیانیه این ۲۲ زندانی سیاسی در پی می‌آید.

روز يك می را در شرایطی گرامی می‌داریم که استبداد و نابرابری، استثمار و استثمار در جهان همچنان ادامه دارد. آرمان کارگران آمریکایی که در این روز جان باختند به آرمانی جهانی بدل گشته است و این روز، يك می را به نماد اتحاد کارگران و ستم‌دیدگان جهان علیه استبداد و نابرابری تبدیل کردند.

[illegible]

۸ اردیبهشت کارگران در تهران با شعار «میشت، منزلت، حق مسلم ماست به استقبال اول مه رفتند.

به گزارش سایت اتحاد (اتحادیه آزاد کارگران ایران) از ساعت ده صبح روز ۸ اردیبهشت تجمع اعتراضی کارگران در تهران در گرامیداشت روز جهانی کارگر با طنین شعارهای کارگر زندانی، معلم زنانی آزاد باید گردد، کارگر معلم اتحاد، اتحاد، میشت، منزلت، حق مسلم ماست، سرمایه دار حیا کن، مملکتو رها کن و ... در مقابل مجلس شورای اسلامی آغاز شد. در این تجمع نزدیک به یک صد تن شرکت داشتند و سپس تعدادی از معلمان بازنشسته نیز به جمع کارگران پیوستند و فضای شورانگیزی به این تجمع دادند. جمعیت به سصد نفر رسید.

روز ۱۰ اردیبهشت جمعی از کارگران خباز سمنج با حضور چهره های فعال کارگری در محل انجمن صنفی کارگران خبازی های این شهر برگزار شد. در این مراسم قطعنامه منتشر شده از سوی «انجمن صنفی معلمان میروان»، «انجمن صنفی کارگران خبازی های میروان و سروآباد و» «انجمن صنفی کارگران خبازی های سمنج و حومه» خوانده شد.

در بخشی از این قطعنامه آمده: «دستمزدها به شدت زیر خط فقر قرار دارد، اخراج و بیکارسازی ها شکل سریع تری به خود گرفته و پرداخت حداقل دستمزدهای بخور و نمیر به موقع صورت نمی پذیرد، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضا بخش دیگری از دهها و صدها مورد

روز جهانی کارگر گرامی باد
اول ماه، یازده اردیبهشت، روز جهانی
کارگران را در شرایطی گرامی می
داریم که وضعیت معیشتی
زحمتکشان جامعه بسیار وخیم تر از
پیش شده است.
به موازات این شرایط اعتراض
طبقات زحمتکش نیز افزایش یافته
است. پاسخ این خواست ها، البته
سرکوب نیست. ما نویسندگان خود
را متعلق به آنها می دانیم و از

کارگر، نه به فلاکت نه به تورم، آیا اعتراض به سطح معیشت جوایش زنان و شلاق است، کارگر زندانی آزاد باید گردد، هزینه زندگی ۳۵۰۰۰۰ تومان حداقل مزد ۷۱۲۰۰ تومان، ۱ درصد تامین تامین ۹۹ درصد گرسنه گرسنه ...

کارگران شرکت کننده در مراسم در حال تابلایان این مراسم اقدام به شعار

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سرمدیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود